سومین جشنواره جهانی فیلم تهران



دخترعمو آنخلیکا ساخته : کارلوس سائورا

Realisateur : Carlos Saura

La cousine Angelica



ونسان ، فرانسوا ، پل ودیگران

ساخته : کلود سوته

Vincent, Francois, Paul et les Autres

Réal. Claude SOUTET



با :

کارلوس سائورا

CARLOS SAURA

درباره‌ی

دخترعمو آنخلیکا

LA PRIMA ANGELICA

— «دختر عمو آنخلیکا» چطور بوجود آمد؟ نقطه شروعش دقیقاً چه بود؟

کارلوس سائورا — نخستین ایده «دختر عمو آنخلیکا» به صحنه‌ای ازفیلم «آنا و گرگها» (فیلم قبلی کارلوس سائورا) مربوط میشود. در این صحنه نوعی دختر عمو آنخلیکا وجود داشت که وجودش خاطرات کودکی پرسوناژ را تداعی میکرد. تا مدتها بعد از فیلمبرداری این صحنه در فکر یادبودهای دوران کودکی ورابطه آن با واقعیات زمان حال بودم. از اینجا بودکه داستان«دخترعموآنخلیکا» درفکرم شکل‌گرفت. بعضی از یادبودها به دوران کودکی خود من برمیگردد وبعضی را نیز درذهنم ساختم.

— در فیلم از سال ۱۹۷۳ مرتباً به سال ۱۹۳۶ برمیگردید، رابطه میان این دو زمان را چگونه توجیه میکنید؟

کارلوس‌سائورا — از یك‌نویسنده خواندم «چیزها آنطورکه میبینیم نیستند، آنطور هستند که بخاطر میآوریم» اثر این جمله روی من طوری بود که از همان زمان به‌تصاویر گذشته و رابطه آنها با زمان‌حال اندیشیدم. بعد به‌فکر خلق پرسوناژی افتادم که مرتباً از نظر فکری بین زمان حال وگذشته رفت‌وآمد دارد بی‌آنکه دراین‌رفت‌وآمدها از فرم قراردادی «فلاش‌بك» استفاده شود، چون پرسوناژ فیلم درگذشته نیز مثل زمان حال «زندگی» میکند.

— «رافائل آزکونا» در نگارش سناریو چه سهمی داشت؟

کارلوس سائورا — من و«آزکونا» سالها است که در فیلمهای متعددی همکاری کرده‌ایم، بهمین‌جهت میان‌ما تفاهم‌کامل برقرار میباشد — دنیای مـا و طرز تفکرمان بهم شباهت دارد. بخصوص در مورد «دخترعمو آنخلیکا» کـه داستان‌اش با نسل ما مربوط میشود. در طول چهل، پنجاه‌سالی‌که از عمرمان گذشته تجربیات مشابهی داشته‌ایم. هر اسپانیائی هم‌سن‌وسال ما، از طبقه متوسط با تربیت مذهبی، یادبودهائی نظیر«دخترعمو آنخلیکا» ازگذشته‌اش دارد.

— در «دختر عمو آنخلیکا» میبینیم که سال ۱۹۳۶ یعنی سال جنگهای داخلی اسپانیا، روی اسپانیائی امروز تأثیر فراوان باقی گذارده است. البته درفیلم این تأثیررا به‌شکلی کنایه‌آمیز روی قهرمان داستان مشاهده میکنیم.

کارلوس‌سائورا — جنگهای داخلی‌اسپانیا نه‌تنها روی نسل زمان‌خود، بلکه روی نسل‌بعدی نیز اثری عمیق بجای نهاده است. کسانی که جنگ را بچشم ندیده‌اند ولی گرفتار نتایج آن شده‌اند: نتایج سیاسی، تربیتی، خانوادگی، و درگیریهای فردی. فکر میکنم پرسوناژ اصلی فیلم من بشدت تحت تأثیر جنگهـای داخلی اسپانیاست. من هرگز موافق با این‌عقیده نبوده‌ام که‌کودکی بهترین دوران زندگی است، برعکس فکر میکنم کودکی ترس و وحشت محرومیت وتحمل زورگوئی‌هاست. همه اینها اثرات عمیقی روی‌انسان باقی‌میگذارد بخصوص‌وقتی درشرایط پرسوناژ فیلم من زندگی‌کنند.

— در وجود همه پرسوناژهای اصلی فیلم میل بازیافتن‌گذشته یا دوباره‌سازی آن دیـده میشود.

کارلوس سائورا — درست است، درآغاز میبینیم که «لوئیس» دچار بحران است. وقتی او برسر مزارمادرش به‌آن‌شهر میرود ناخودآگاه بعد از بیست سال دقیقاً محل تدفین مادرش را پیدا میکند. این نشانه آن‌است که «لوئیس» همواره باگذشته‌اش زندگی‌کرده است. بازگشت او به‌شهر درواقع نوعی بازگشت به‌گذشته است. او به‌کشف‌این‌گذشته و روبروشدن باآن میرود.

— جالب اینجاست‌که علیرغم ناراحتی‌های موجود، در این گذشته، غم و تلخی‌ای بی‌پایان آن، در فیلم شیفتگی وعلاقه خاصی نسبت بآن حس میشود.

کارلوس سائورا — در این مورد تعمدی وجود نداشته و این احساس ناخودآگاه آمده است. درواقع جستجوی گذشته برای قهرمان داستان اشتیاق برانگیزتر از زندگی در زمان حال است. او کنترل زمان حال را در اختیار دارد ولی گذشته از اختیارش بکلی خارج است، این گذشته است که بر ذهنش حکومت میکند.

— در مورد مسائل مربوط به جنگهـای داخلی اسپانیا با مشکلات سانسور روبرو نشدید؟

کارلوس‌سائورا — در«دخترعموآنخلیکا» آزادانه هرچه خواستم‌گفتم. نمیدانم اگر سانسور فعلی در اسپانیا وجود نداشت چه‌کاری بیشتر از این‌میتوانستم‌بکنم. باتوجه‌به‌سانسورومحدودیتهای زمانی در اسپانیا، فیلم من دقیقاً همه خواسته‌هایم را برآورده‌کرده است. یعنی نشان‌دادن تصورات و برداشتهای یك‌کودك از جنگ. یادم میآیدکه زمـان جنگ من در بارسلون بودم. بارسلون در آن‌موقع در منطقه جمهوری خواهان قرار داشت. وقتی نیروهای فرانکو وارد این شهـر شدند، ذهن من بکلی مغشوش شد. چون از آن لحظه خوبها را بد وبدها را خوب میدیدم. چون واقعاً نمیدانستم چه‌حوادثی وبچه دلیل درجریان است. این همان احساسی است که سعی کردم در صحنه مربوط به‌هیجده ژوئیه نشان دهم.

— در مورد اروتیزم پنهانی که در رابطه میان «آنخلیکا»ی کودك، «آنخلیکا»ی مادر و «لوئیس» وجود دارد چه میگوئید؟

کارلوس‌سائورا — اروتیزم‌میان«آنخلیکا»ی مادر در رابطه با گذشته آشکار میشود.

«لوئیس» نسبت به «آنخلیکا»ی مادر یا «آنخلیکا»ی زمان حال احساس پدری دارد و در این احساس ابداً اثری از اروتیزم نیست. چون «آنخلیکا»ی مادر فقط تصویری‌است برای بازیافتن «آنخلیکا»ی گذشته‌که بشکلی دروجود «آنخلیکا»ی کودك مجسم است.

— در پایان جالب است اشاره به‌آخرین نمای فیلم شود. نمائی که با نمای نهائی سایر فیلمهایت بکلی مغایر است. این نما در واقـع تمام فیلم را در خود خلاصه میکند و حـالت پرسوناژها را نسبت بهم نشان میدهد.

کارلوس سائورا — نمای آخر فیلم در سناریـو پیش‌بینی نشده بود و من آن‌را ضمن فیلمبرداری پیدا کردم. این نما درواقع فقط یك تصویر است و همیشه به صورت یك مادر و فرزندش فکر کرده بودم. این فکر سرانجام در این فیلم به‌صورت یك نما درآمد. در این تصویر مادر و «آنخلیکا»ی سال ۱۹۳۶ و مادر و «آنخلیکا»ی امروز را توأماً میبینیم. تمام فیلم در این لحظه دراین تصویر بازگو میشود.

مصاحبه‌های مطبوعاتی



ازراست به‌چپ: تهیه‌کننده فیلم راه حل میخواهم - منوچهر انور- فاطن حمامه - سعید مرزوك- مترجم مصری

مصاحبه‌ی مطبوعاتی با :

«سیعد مرزوك»
و
«فاطن حمامه»

**SAEID MARZOUK
AND
FATEN HAMAMA**

درشروع مصاحبه‌ی مطبوعاتی با «مرزوك» کارگردان فیلم «راه حل می‌خواهم» و «فاطن حمامه» بازیگر آن، تهیه‌کننده‌ی فیلم که نیز حضور داشت، توضیح داد که داستان فیلم «راه حل می‌خواهم» واقعی‌ست وبعدآنکه «مرزوك» به زبان عربی مصاحبه خواهدکرد. مرزوك گفت:

« اول می‌خواهم خوشوقتی خودم را از شرکت در این فستیوال و بعد همکاری با خانم اول‌سینمای مصر، «خانم‌حمامه» اعلام کنم» وبعد سؤالات آغاز شد، یکی‌از حاضرین گفت:

ـ قبل از هرچیز باید اشاره به انتخاب چنین سوژه‌یی‌کرد که عمل بسیار شجاعانه‌یی‌ست و درآن هدف هست، آیا این فیلم هجویه‌یی‌ست از قانون ازدواج وطلاق در یك مملکت اسلامی و یا روش کاربرد این قانون مورد انتقاد قرار گرفته ؟

مرزوك : این قانون در مصر و بعضی از مناطق دیگر دنیای اسلامی از سال ۱۹۲۵ جاری بوده و همانطور که ملاحظه کردید این فیلم هم از قانون مذکور انتقاد می‌کند و هم از روش کاربرد آن. دراین‌مملکت قانون اسلامی با قانون جاری، منطبق‌نیست وکسانی‌که مجری‌آن هستند اطلاع درستی از روش بکاربردن آن ندارند.

ـ این داستان قبل یا بعداز انقلاب مصر اتفاق افتاده؟

مرزوك : این داستان مربوط به قبل از انقلاب است ولی هنوز هم ادامـه دارد. البته کوشش‌هایی برای اصلاح این‌وضع دارد می‌شود. شاید سال دیگر، یا سال بعدتر آن، این وضع درست شود.

ـ آیا این فیـلم، اولین فیلم مصری‌است که با زنان همدردی می‌کند و مشکل آنان را مطرح می‌کند، یا فیلم‌های دیگری هم بوده؟

مرزوك : من فکر می‌کنم که این تنـها فیلمی‌ست که کوشیده برای مسأله‌یی بخصوص، راه حلی پیدا کند.

یك خبرنگار آمریکایی‌گفت:

ـ این مسأله با این شدت عاطفی‌که دارد، شاید در مصر بهتر باشد. باید مواظب باشید که به ممالك دیگر مثلاً آمریکا نرسد که روزی زن‌ها بتوانند مردهای بیچاره را با یك تیپا از خانه بیرون بیندازند وکاری هم از دست مردها ساخته نباشد!

حمامه : انشاءالله که چنین‌وضعی پیش‌نیاید.

مرزوك : کاری که من خواسته‌ام بکنـم این‌است که راه حلی پیدا شود در راه ترقی. امیدوارم‌که این راه حل نه شکل آمریکایی پیدا کند ونه صددرصد عربی. بلکه بین این‌دو.

از «حمامه» پرسیده شد :

ـ بازی درخشان شما سرجای خود. ولی می‌خواهم بپرسم که آیا خود شما درد این زن را با همان شدت حس می‌کنید یا نه؟

حمامه : من در مورد این مسأله احساسات وحساسیت خیلی شدیدی دارم. وخیلی خوشحال شدم‌که چنین‌داستانی پیداشدکه به‌فیلم برگردانده شود، شایدکه یك‌مشکل زنان مملکت‌ما حل‌شود.

ـ آیا درمورد مسایل‌فیلم درواقعیت هم تحقیقاتی شد؟

حمامه : خود داستان، یك داستان واقعی است. خانمی‌که داستان این فیلم را نوشته، سه‌ماه در دادگاه، مسایل را دیده ونوشته. پس داستان یك سرچشمه‌ی واقعی دارد و آقای مرزوك هم یکسال‌ونیم برای نوشتن سناریو وقت صرف‌کرد.

ـ شهامتی که در برخورد با این ماجرا به‌خرج داده شده قابل تحسین است، اما مسأله‌یی که به‌آن پرداخته نشده «زنای محسنه» است که جرم شدیدی محسوب می‌شود. چرا به‌این مسأله نپرداختید تا زن بتواند به موجب قانون اسلامی ازشوهرش طلاق بگیرد؟

مرزوك : ما کوشش کردیم که با مسأله‌ی «زنای محسنه» برخورد پیدانکنیم. و در فیلم‌هم

لطفاً ورق بزنید



صحنه‌ای از «راه حل می‌خواهم»

می‌بینید که زن، زن عفیفی‌ست.

حمامه : قانون مصر با قانون اسلام توافق کامل ندارد. وبهمین‌دلیل اگر زن مرتکب زنای محسنه شود، زندانی می‌شود، اما اگرمرد «زنای محسنه» بکند، زندانی نمی‌شود.

ـ در صحنه‌هایی مثل دادگاه و راهروها می‌دیدیم که آدم‌هایی ایستاده‌اند وهرمسأله‌یی‌که پیش می‌آید متوسل به‌خدا می‌شوند تا خدا کاری بکند. بنظر من لحن فیلم طوری‌ست که هجو اعتقادات است، آیا چنین قصدی داشتید یا این مسأله ناخودآگاه پیش آمده؟

مرزوك : در میان آدم‌های راهروهـای دادگاه همه‌نوع آدمی دیده می‌شد. ازهمه طبقات، آدم‌هایی‌که فقیرند وکاری از دستشان برنمی‌آید اتکاء به‌خدا دارند وبعد می‌بینیدآدم‌های ثروتمند وقتی کارشان پیش نمی‌رود ، متوسل به خـدا می‌شوند.

ـ شما با آقای شادی عبدالسلام راه‌تازه‌یی درسینمای مصر پیدا کردید. درساختن این فیلم وفیلم‌های دیگری‌که می‌سازید، بیشتر چه چیزی برایتان مطرح است؟

مرزوك : دوست‌من‌آقای«شادی‌عبدالسلام» ومن نقطه عطف ومنبع‌کارمان، احساسات شخصی وفردی‌ست. من شخصاً دربرخوردی‌که با مسایل فیلم‌هایم دارم ، سعی می‌کنم کـه با احساساتم بجوشم. وهمچنین کارم را با تحولات فنی که در دنیا رخ می‌دهد، منطبق کنم و سعی می‌کنم که ریتم خاص مملکت خودم را حفظ‌کنم.

سینما ۵۳

بولتن سومین جشنواره جهانی فستیوال تهران

« شماره ۷ »

زیرنظر : **بهرام ری‌پور**

دبیرشورای نویسندگان : **جمال امید**

مدیرفنی : **درخشنده زعیمی**

دستیار دبیرشورای‌نویسندگان : **جمشید ارمیان**

دبیرقسمت انگلیسی : **راجرکوپر**

طراحی صفحات زیرنظر : **مرتضی ممیز**

چاپخانه وزارت فرهنگ وهنر

تلفن بولتن ۳۱۱۲۴۰

مصاحبه‌های مطبوعاتی



PRESS CONFERENCE WITH JOHN FORSYTHE

مصاحبه مطبوعاتی با :

جان فورسایت

ـ یکی دو شب قبل از تلویزیون فیلم «درکمال‌خونسردی» را که شما نیز درآن بازی داشتید نمایش دادند، چرا بیشتر درفیلم‌های جدی مثل این فیلم بازی نمیکنید؟

ـ من درواقع کار هنرپیشگی‌ام را به دو قسمت تقسیم کرده‌ام . یکی قسمت جدی آن‌که با تئاتر شروع شد و به سینما کشیده شد ، و دیگری بخشی است که مربوط به تلویزیون میشود . میدانید وقتی تلویزیون به‌وجود آمد خیلی سریع به همه‌جاکشیده شد ، بنابراین‌چیزی نبود که آدم بتواند آنرا نادیده بگیرد . اما طبیعی است که کارهای جدی‌ای‌که در تئاتر و سینما کرده‌ام بیشتر مورد علاقه‌ی من هستند. البته من یك برنامه تلویزیونی هم می‌نویسم وهم اجرا میکنم . این برنامه درباره‌ی حفاظت محیط زیست است .

ـ نظرتان درباره‌ی«درکمال‌خونسردی» چیست ؟

ـ فیلم بسیار خوبی‌ست . درسالی که فیلم درامریکا به نمایش درآمد یکی از پنج فیلم برجسته‌ی سال شد . فیلم براساس داستان بلند **«ترومن کاپوتی»** بود ، که خود این داستان براساس یك واقعه‌ی حقیقی بود . کارگردان فیلم **«ریچارد بروکس»** با استعداد زیـادی توانست ، برگردانـی بسیار سینمایی ازکتاب به‌وجود بیاورد . وهمه‌ی ایـن عوامل سبب موفقیت زیاد فیلم شد .

ـ دراین چند روزی که درایران هستید هیچ فیلم ایرانی دیده‌اید ؟

ـ متأسفانه نه . اما با افراد زیادی که در سینما دست دارند ملاقات‌کردم واطلاعاتی به‌دست آورده‌ام . از تلویزیون دیدن کردم . فکـر نمی‌کنم تلویزیون شما از لحاظ وسائل تکنیکی چیزی از تلویزیون‌های امریکا کم داشته باشد. اما مسأله مهمی که در اینجا نیز مانند سایر کشورهای آلمان و فرانسه نادیده گرفته شده ، استفاده ازامکانات محلی برای‌ساختن برنامه‌های تلویزیونی‌ست . تصور میکنم تلویزیون ملـی ایران نباید این چنین وابسته به محصولاتی‌باشد که در خارج از ایران تهیه میشود . بایدکوشش شود که درایران و با استفاده از فرهنگ و امکانات ایرانی برنامه‌هایی تهیه شود که مسلماً اثر آنها خیلی بیشتر از محصولات خارجـی خواهد بود .

ـ از سریال «بیگانه‌یی در رم» چندقسمت تهیه شده و تهیه‌ی آن چقدر طول کشید ؟

ـ من تا به حال دوسریال تلویزیونـی داشته‌ام ، یکی از ۱۹۵۷ تا ۱۹۶۲ به نام «پدر مجرد» که سریال بسیار موفقی بود و به همین دلیل تهیه‌ی آن شش سال طول کشید . بعد مدتی به سینما و تئاتر رفتم ، سپس دوباره با همین سریال «بیگانه‌یی در رم» به تلویزیون برگشتم . اما موفقیت آن به اندازه‌ی سریال‌قبلی نبود و طول تهیه‌اش تنها دوسال بود . شایدیکی از بهترین عللی که این سریال موفق نشد ، گـرایش تلویزیون به طرف ساختن فیلم‌های حادثه‌یی وخشونت‌بار است .





هنرمندان فیلم «مالر» (رابرت پاول وجرجیناهیل) به‌هنگام گفتگوی جمعی– «منوچهر انور» نیز درتصویر مشاهده میشود.

مصاحبه مطبوعاتی با :

بازیگران فیلم

مالر

ساخته‌ی کن‌راسل

PRESS CONFERENCE WITH THE STARS OF "MAHLER"

قبل ازطرح سئوالات «رابرت پاول» بازیگر فیلم «مالر» توضیحی درباره‌ی نحوه نمایش فیلم داد :

رابرت پاول : موضوعی‌که به هنگام نمایش فیلم برای من بسیار دردناك بود ، وضع صدا بود مرتب‌کم وزیاد میشد . فیلم درباره‌ی یك موسیقی‌دان بود واگر به صدای فیلم لطمه بخورد دیگر اصلاً فیلم نیست . به نظر میرسد علت خراب شدن صدا کُند شدن سرعت عبور فیلم بوده ، یعنی به جای این‌که فیلم ۲۴ کادر درثانیه بگذرد ۲۲ کادر میگذشته . من حتی به اطاق نمایش نیز مراجعه‌کردم ولی آنها هیچ جواب قابل قبولی نداشتند . من به قدری ناراحت شده بودم‌که در اواسط نمایش سالن سینما را ترك‌کردم .

جرجینا هیل : قبل ازنمایش فیلم مقداری فیلم تبلیغاتی نمایش داده شد – که صدای آنها خیلی بلند بود . من فکرکردم اگرموقع نمایش‌فیلم نیزصدا به این بلندی‌باشد چه میشود ، اما به هنگام نمایش‌فیلم ناگهان صدا پائین آمد .

پاول : درهنگام مراجعه به اطاق آپارات متوجه شدم‌که روی دوبلندگوهای عقب کـه مخصوص پخش موزیك بوده دوفیلترکارگذاشته بودند ، درحالیکه دو بلندگوهای جلوکه مخصوص دیالوگهاست بدون فیلتر بودند . به همین دلیل دیالوگها اشکالی نداشتند . اما موسیقی . . .

سئوال : شما خودتان اطلاعاتی درباره‌ی موسیقی دارید ؟

رابرت پاول : درزمینه‌ی موسیقی ، چه آواز ، چه نواختن ، تابحال کار نکرده‌ام ، اما شنونده‌ی بسیار خوبی هستم . برای این‌که بتوانم نقش «مالر» را بازی کنم ، دوماه با یك معلم‌کارکردم ، وسرانجام یادگرفتم که دوقطعه ازموسیقی اورا بنوازم . زیرا فکر میکردم که برای آشنایی بیشتر با مالر این لازم است . به نظر من برای این‌که هنرپیشه‌ئی نقش‌کس دیگری را مثل «مالر» ویا «شلی» ، شاعر بزرگ انگلیسی ، بازی‌کند قبل ازاین‌که او به دانستن شرح احوال وزندگینامه‌ی شخص‌احتیاج داشته باشد ، به شناختی ازخود او نیازمند است . زیرا غیرازاین صورت ، هنرپیشه مجبورست تصویری‌عینی شبیه به شخص‌بسازدکه‌کاربسیار بی‌ارزشی است ، چیزی است درحد یك تقلید . درحالی‌که وقتی هنرپیشه ازلحاظ ذهنی اورا شناخت ، خیلی خوب قادر خواهد بود با امکانات خودش وواکنش‌هایش همان ذهنیت را به تماشاگر منتقل‌کند . «مالر» و «شلی» هردو نابغه بوده‌اند ، اما من یك بازیگر هستم وبه هیچ وجه درست نیست‌که ازآنها تقلیدکنم .

سئوال : نظرتان درباره‌ی «گوستاو مالر» چیست؟

رابرت پاول : من قبل ازاین فیلم « مالر » را نمی‌شناختم . موسیقی«باروك» را دوست‌داشتم ، «باخ» ، «موزارت» و . . . وقتی «کن راسل» سناریو را برای مطالعه به من داد ، حس‌کردم برای بازی دراین فیلم آشنایی با موسیقی «مالر» لازم است . میدانید درواقع ما نوعی‌کارگر هستیم‌که‌کاری به ما داده میشود وباید آنرا ارائه‌کنیم . برای هرچه بهتر ارائه دادن‌کارشناخت این‌کار الزامی است . زیرا تنها دراین صورت است‌که هنرپیشه درتحلیل نهایی میتواند مطمئن باشدکه تصویر ذهنی درستی ازشخص مزبور به تماشاگرانتقال‌داده‌است.

سئوال : برخورد «کن راسل»را با«مالر» چگونه دیدید ؟ اصولاً با روش او موافقید ؟

رابرت پاول : بله ، با او مـوافقم . او در هیچ موقعیتی سعی نمی‌کندکه ذهنیات خودرا به هنرپیشه تحمیل‌کند. سناریوکاملاً روشن‌است ومحدوده‌ی سازمان ذهنی وسینمایی او برحسب امکانات ما است . درواقع می‌توانم بگویم او «مالر» را برحسب آن چیزی‌که من می‌توانم به او بدهم درذهن دارد .

جرجینا هیل : کارکردن با «راسل» فوق‌العاده است . او سرانجام آنچیزی‌که میخواهد از هنرپیشه میگیرد حتی اگرمجبور شودکه شصت‌بار فیلمبرداری را تکرارکند ، ولی‌معمولاً بار دوم یا سوم موفق‌میشود. خیلی منطقی‌است‌که همیشه با هنرپیشه‌ها تبادل‌نظرمیکند وچنانکه نظرآنها را بپذیرد قسمت مربوطه را تغییر میدهد وحتی دردیالوگ‌ها تبدیلاتی بوجود می‌آورد . با این‌که دستمزدی‌که ازکارکردن با او برای هنرپیشه به دست می‌آید خیلی‌کم است ، معذلك این می‌تواند افتخاری برای یك هنرپیشه باشد .

سئوال : فکرمیکنید روش مقابله‌ی یهود با نازی به شکلی‌که درفیلم عرضه شد درست بود ؟

رابرت پاول : «مالر» یك یهودی بودکه درسال ۱۸۶۰ تولد یافت ، دوره‌یی‌که افکار ضد یهود داشت کم‌کم بروز میکرد . درآن موقع «واگنر» که به عنوان سلطان موسیقی شناسانده شده بود ، شدیداً افکار ضد یهود داشت . «واگنر» درزمان نازی‌ها بسیارموردتوجه قرارگرفت وبه‌عنوان موسیقی نمونه‌ی نژاد آریایی رسمیت پیداکرد . واین سی سال بعد اززمانی بودکه «مالر» موسیقی خودرا ساخته بود . دراین زمان اجرای موسیقی «مالر» ممنوع شده بود . به این ترتیب فکر میکنم استفاده ازموسیقی «واگنر» به این شکل درفیلم درست بوده است .



راه حل میخواهم (سعید مرزوك)

سینمای مصر

بمناسبت نمایش دوفیلم «اتاق شماره . . .» و «کجا» بعداز نمایش فیلمهای «مومیائی» و«راه حل میخواهم»

نخستین گامها

اولین فیلمهائی‌که دراسکندریه ساخته شد ، درسال ۱۹۱۲ بود . مالك یك سالن سینما ، مثل برادران‌لومیر، شروع به فیلمبرداری ازآدم‌های خیابان‌ها ومکان‌های عمومی میکرد وبعد ازآنها دعوت میکرد‌که به تماشای این نوع فیلمها بیایند . گرچه ، این‌کار ، یك تجربه تازه وکوتاه ازنوع فیلمهای «خبری» بود ، مع‌الوصف این‌کار درسال ۱۹۱۵ درقاهره توسط شخص دیگری ادامه یافت . این مرد ، یك سینماچی بودکه ازخودش وتماشاگران جلوی سینمایش «ال‌کلوب ال مصری» فیلم میگرفت ویك هفته بعد فیلم را به‌آنها نشان میداد .

سال ۱۹۱۷ ، سال تولد واقعی سینما درمصر است . دراین سال فیلم‌ها دراستودیو یا هوای آزادگرفته میشد. این فیلم‌ها غالباً از ۳۰ دقیقه تجاوز نمیکرد واغلب درقاهره وجاهای دیگر با موفقیت روبرو میشد . یك فیلمبردار اهل اسکندریه باسم « برانکودورس » کـه متوجه فقدان فیلم در دوران جنگ شده بود ، یك بانك ایتالیائی در‌رم را تشویق‌کردکه درمورد تهیه فیلم درمصرسرمایه‌گزاری‌کند . بدبختانه «برانکو» پس از ۲ سال فوت‌کرد وبانك ایتالیائی نیز ازاین‌کـار منصرف شد . پس از «دورس» سه ایتالیائی دیگر ، آلویس ارفانلی وبرادران سالوی «برونو وآلدو» به کوشش‌های خود برای تهیه فیلم با مشارکت یك بانك ایتالیائی ادامه دادند .

ازسال ۱۹۱۷ تا ۱۹۲۶ ، این سه نفر فیلمهائی تهیه کردندکه هیچگونه موفقیت تجاری نداشت .

با بازگشت «محمد بایومی» از آلمان ، میتوان گفت‌که اولین لابراتوار فیلم درمصر بوجود آمد ودر سال ۱۹۲۵ تشکیلات تازه‌ای‌بنام «کمپانی سینما وتئاتر» درمصر پایه‌گذاری شدکه بتدریج توسعه وگسترش یافت.

نخستین کوشش‌ها

در سال ۱۹۲۵ یك نمایشنامه‌نویس ترك ، بنـام «ودادارفی» ازپاریس به مصر آمد تا به سفارش «یوسف وهبی» فیلمی درباره زندگی پیغمبر اسلام بسازد . ارفی به سه آکتریس «عزیز امیر ، فاطمه رشدی وآسیاداقر» پیشنهادهائی برای ساختن فیلم‌کرد . آنها تهیه سه فیلم را آغازکردند و «ارفی» برکار آنان نظارت میکرد . اما بعداً کارگردانی این سه فیلم بترتیب به «استفان روستی» ، «احمد گالال» و «ابراهیم لاما» واگذارشد.

درسال ۱۹۲۷ «عزیز امیر» هنرپیشه زن مصری اولین فیلمش راکه یك فیلم درام بود باسم « لیلا » تهیه‌کردکه بعقیده مورخین سینمای مصر، تولد سینمای ملی مصر بااین فیلم بود . کارگردان این فیلم «استفان روستی» بود و «عزیز امیر» خودش نقش اول این‌فیلم را ایفاکرد . داستان این‌فیلم سرگذشت دختری روستائی را بیان میداشت‌که نامزدش اورا حامله میکند وخود به عشقبازی با یك زن آمریکائی میپردازد واین‌کار ، دخترراازقاهره گریزان میکند . . .

درهمان موقع ، برادران لاما دراسکندریه اولین فیلمشان را بنام «بوسه دربیابان» نمایش دادند وچند سال بعد آنها اولین استودیوشان را در "Kubba" درشمال قاهره افتتاح‌کردند .

درسال ۱۹۲۹ « محمدکریم » اولین فیلمش را عرضه‌کرد : زینب . این فیلم‌که درآن زندگی مردم مصر مورد بررسی قرار میگرفت ، بحث‌های فراوانی را بوجود آورد . این فیلم با اقتباس از رمان مشهور «حسین هیکل» ساخته شد .

دراین فیلم برای اولین‌بار چهره دهقانان فقیر مصری ظاهر شد ، با این‌که فیلم داستانـی رومانتیك داشت ، ولی همین‌قدرکه درآن مسائل زندگی دهقانان نشان داده میشد ، قدمی بزرگ به جلو بود .

سینمای مصر فعالیت اقتصادی خودرا با سینمای ناطق آغازکرد . دوره فیلمهای صامت تا ۱۹۳۰ دوام یافت ، درحالیکه سینماگران اروپائی وآمریکائی از ۱۹۲۸ ساختن فیلمهای صدادار را آغازکرده بودند. استودیوها هنوزتوسعه‌کافی‌نیافته بودند ، مثلاً «آلویس ارفانلی» درباغ خود کار میکرد یا «توگومیزراهی» وبرادران لاما درهوای آزاد فیلمبرداری میکردند و اطاق‌های‌گریم ولباس در ویلاهای آنها درست شده‌بود .

(توضیح این‌که تا سال ۱۹۲۷ تمام‌کسانی‌که در مصر به‌کار فیلمسازی اشتغال داشتند خارجی بودند. وجود آنان بعدهـا باعث پیدایش یك سینمای‌کاملاً مصری شد) .

فیلم‌های ناطق

با ظهور سینمای ناطق ، تماشاگران عرب‌که بـه موسیقی وآواز علاقه فراوان داشتند ، ازفیلمهائی‌که داستانهای ساده ورقص وآواز به‌آنان عرضه میداشت ، استقبال بعمل آوردند . ازسوی دیگر سینمای ناطق موجب شدکه نویسنده‌های مصری باین‌کار جلب بشوند. فیلم «زیرمهتاب» با ورسیون صامت تهیه شد وبعد دیالوگ وموزیك «شکری مادی» را روی آن‌گذاشتند. درهمین‌موقع ، برادران لاما صحنه‌هائی با چندین‌آهنگ برای فیلم خود «معجزه عشق» فیلمبرداری‌کردند وآنرا با چند صفحه سنکرون‌کردند . کوشش‌های بعدی با فیلم «فرزندان نجیب» به‌کارگردانی «محمدکریم» و«ترانه قلب» به‌کارگردانی «ماریو ولپ» برداشته شد . هردوی این فیلم‌ها درسال ۱۹۳۱ درقاهره به نمایش درآمدند .

«محسن سابو» یك مهندس جوان مجارستانی‌که دربرگرداندن صدا روی فیلم‌های صامت تبحرداشت ، یك لابراتوارکوچك برای این‌کار براه انداخت وباین ترتیب بسیاری ازتهیه‌کنندگان با بودجه‌کم قادر بودند فیلم‌های ناطق تهیه‌کنند .

درسال ۱۹۳٤ کمپانی سینما وتئاتـر استودیوی مجهزی را با تشکیلات مدرن تأسیس‌کرد وفیلم‌های زیادی تهیه نمود وبسیاری ازفیلمسازان جوان را برای تحصیل ومطالعه به خارج اعزام داشت .

ازمیان این فیلمسازان جوان میتوان از «موریس



راه حل میخواهم (سعید مرزوك)



مومیائی (شادی عبدالسلام)

کاسب» برای تهیه‌کنندگی «احمد بابدراخان» برای کارگردانی «محمد عبدول عزیز» برای فیلمبرداری، «حسن مراد» برای‌فیلم‌های خبری، «هلمی رفلا» برای گریم و«والی ‌الدین سامه» را برای‌کارگردانی‌نام برد.

سرانجام سینمای ملی مصر چهره خودرا آشکار ساخت. درطی سالهای ۱۹۳۹ تا ۱۹۴۴ حتی جنگ هم نتوانست پیشرفت‌آن‌را سدکند وتاسال ۱۹۴۸ استودیوها ساخته شدند وتعداد زیادی‌کمپانی‌تهیه فیلم‌بوجودآمدند. اما درآن سالها فیلم‌های‌کوتاه توجه‌کسی‌را جلب‌نمیکرد وهیچ مرجع رسمی نیز علاقه‌ای برای تهیه آن نشان نمی‌داد.

درجستجوی یك فرم واقعی

سینمای مصرگسترش خودرا مدیون سینمای ناطق میداند، علیرغم این نکته‌که آمریکائی‌هاکوشش‌کردند، بازار را دردست خود بگیرند، فیلم‌های ناطق مورد توجه تماشاگران عرب قرارگرفت.

فیلم «العظیم» (۱۹۳۹) ساخته: «کمال سلیم» به موفقیت بزرگی دست یافت. ازمدتی‌قبل‌تکنیسین‌های آلمانی درسینمای مصر فعالیت میکردند. یکی ازآنها «فریتزکرامپ» کمال سلیم را به سوسیالیست بودن متهم کرد واین اتهام بزرگی بود. استودیو مصر باین علت سناریوی فیلم را سانسورکرده وتغییراتی درآن بعمل آورد. وقتی‌کمال سلیم فیلم را شروع‌کرد، متخصصین آلمانی‌نتیجه اولین راش‌هاراغیرقابل‌استفاده وبی‌ارزش اعلام‌داشتند. فیلمبرداری متوقف شد واستودیوکمیسیونی را مأمورتحقیق ساخت. کمیسیون مزبور ادعای‌آلمانی‌ها را ردکرد وفیلمبرداری ادامه یافت.

داستان فیلم سرگذشت جوانی ازطبقه پائین است که با وجود تنگدستی سرانجام موفق میشود به دانشگاه راه یافته وتحصیلاتش را درآنجا ادامه بدهد. فیلم زندگی مردم مصررا درمحلات فقیرنشین نشان میدهد وبشدت مؤثر وتکان‌دهنده است.

نمایش فیلم درسال ۱۹۳۹ درمصر وسایرکشورها با موفقیتی بزرگ روبرو میشود. دراین فیلم چند صحنه رقص نیز وجود دارد‌که کاملاً درخدمت داستان است، اما بدون توجه به این عامل، این فیلم یکی از آثارکلاسیك سینمای ملی مصر بشمار میرود. برای اولین‌بار درمصر فیلمی، فقروتنگدستی را با رئالیسمی صادقانه روی پرده میآورد. منتقدین رئالیسم این فیلم را با نئورئالیسم سینمای ایتالیا قابل مقایسه میدانند.

اما کمال سلیم مجبورشد این فرم‌کارش را ترك کند چون فیلم‌های تجاری از او میخواستند. او ۶ سال بعد فوت‌کرد، درحالیکه جوان بود وهنوز ایده‌هائی خوب برای سینمای رئالیسم درمصرداشت. دیگران به‌کوشش‌های راستین او ادامه دادند، مثل **«صلاح ابوسیف»** که فقط درسال ۱۹۵۲ فیلم موفقیت‌آمیز «اوستا حسن» را ساخت. دراین فیلم او با یك رئالیسم قوی، فاصله طبقاتی را مطرح میکرد.

«کمال ال شیخ» کارگردان و سناریست دیگر، استادی خودرا درفیلم‌های جنائی نشان داد، فیلم «خانه شماره ۱۳» او همه را درسال ۱۹۵۲ دگرگون ساخت.

«یوسف شاهین» یك آغازکننده بود، بعد با فیلم‌های «بابا امین» و «ایستگاه مرکزی» و «آسمان جهنم» نام خودرا درسینمای مصر تثبیت‌کرد.

فیلمساز دیگرکه درسال ۱۹۵۵ درخشید، **«توفیق صالح»** بودکه با فیلم «کوچه احمق‌ها» (درب‌المحبیل) درخشید، اما ۵ سال طول‌کشید تا منتقدین وتماشاگران به ارزش‌کار او پی بردند.

کیفیت فیلم‌ها وبازار

چهل درصد درآمد فیلمهای مصری ازبازارهای خارجی تأمین میشود. باین ترتیب سینمای مصربرای موفقیت تجارتی ناچار باید روی بازارهای خارجی حساب‌کند. این امر اثرات نامطلوبی روی سینمای این کشور باقی‌گذارده است. تماشاگران فیلمهای مصری درکشورهای عرب - باستثنای‌کشورهای آفریقای شمالی که ترجیح میدهند فیلمهای فرانسوی را تماشا کنند - اکثراً افراد بیسوادی هستند وازنظرشرایط اقتصادی در وضع نامساعدی‌بسرمیبرند. سینما برای‌آنهاوسیله‌ای‌است برای سرگرمی‌وفراموش‌کردن دشواریهای زندگی. باین ترتیب‌آواز ورقص شکم جزء لاینفك فیلمهای مصری میشود. تهیه‌کنندگان فیلمها بخوبی ازنقشی‌که سیاست میتواند درفیلمهای‌مصری‌بازی‌کند اطلاع‌دارند، اماچون منافع آنان دربی‌خبرنگه‌داشتن توده تماشاگران است، ازاین جهت هیچوقت نخواسته‌اند سینمای این‌کشور ازفرمولهای همیشگی عدول‌کند. تا سال ۱۹۵۵ نقدفیلم درمصر وجود نداشت وطبقه روشنفکر با سینمای ملی بکلی قطع رابطه‌کرده بود.

سینمای قبل‌ازجنگ مصر به داستانهای خانوادگی وملودرامهای عاشقانه اختصاص دارد وبکلی اززندگی مردم ومسائل مربوط بآن دور است. درطول جنگ نیز این‌وضع ادامه می‌یابد بی‌آنکه فیلم **«کمال سلیم»** بتواند درچهره سینمای این‌کشور تغییری بوجود آورد. در طول جنگ انگلیسها برای احتیاجات جنگی خود از صنایع وکشاورزی‌کشورهای خاورمیانه عربی استفاده فراوان بردند واین امر رونقی بوضع اقتصادی این کشورها داد وعده‌ای زیادی بکارگمارده شدند. غالب کارگران مصری‌که تا آن زمان هرگز بسینما نرفته بودند، درشرایط تازه توانستند مرتب بدیدن فیلمها بروند. سینمای مصرکه درسال ۱۹۴۳ فقط نوزده فیلم تهیه‌کرده بود، درسال ۱۹۴۵ توانست ۴۸ فیلم بسازد. یعنی درعرض دوسال تعداد محصولات این سینما ۲۵۰ درصد افزایش یافت. این افزایش درکیفیت فیلمها تأثیری نداشت فقط باعث پیدایش نوع تازه‌ای ازفیلم شدکه‌کمدی موزیکال نام داشت. این نوع ازفیلم‌دارای خصوصیاتی‌کاملاً مصری بود و با محصولات مشابه آمریکائی شباهتی نداشت. درکمدی موزیکالهای این زمان طبعاً رقص وآواز فراوان بچشم میخورد. رقص وآوازهائی‌که برخلاف فیلمهای قبلی با داستان فیلم ارتباط داشتند وشامل آهنگهای شاد یا غم‌انگیز برحسب موقعیت داستان(ملاقاتهای عاشقانه، تولد یك‌عشق‌تازه، سوء تفاهم، مرگ پسر یا مادر یا یك موجود عزیز) بود.

فیلمهای**(لیلا مراد)**- یکی‌ازبزرگترین‌خوانندگان مصری درسالهای چهل وپنجاه و **«انور وجدی»** (که کارگردان وتهیه‌کننده فیلمهایش بود)، وفیلمهای خواننده مشهور **«محمد فوزی»** و **«صباح»** - خوانندهٔ لبنانی - یا **«نعیمه عاکف»** رقاصه وآکروبات، یا **«شادیه»** خواننده‌ای‌که بعدها معروف شد، بهترین نمونه‌های این نوع آثار هستند.

فضای این‌کمدی موزیکالها شاد وسرشار ازتفریح وخنده بودند. با اینحال نقص‌کلی این فیلمها وجود داستانهای پیش‌پا افتاده ومعایب تکنیکی بود. صرف‌نظر ازاین معایب سینمای مصر درصنعت سینمای جهان بانوع خاصی ازکمدی موزیکال سهم عمده‌ای داشت. دراین دوره نوع‌دیگری‌ازفیلم‌که ازنظرکیفی‌درسطح پائین‌تری ازکمدی موزیکال قرار داشت، موفقیت‌های بزرگ تجارتی بدست آورد وآن اپرت‌های فیلم شده بود.

«فریدالاطرش» هنرپیشه محبوب این اپرتها بحساب می‌آمد ودرمیان تماشاگران مصری طرفداران فراوان بدست آورده بود.

کمك دولت

صرف‌نظر ازتعدادکم فیلمهائی‌که درآنها اززندگی مردم صحبت می‌شد، سینمای مصرراه همیشگی‌اش را ادامه داد. طوریکه‌گوئی هیچ اتفاقی نیفتاده است. درسال ۱۹۵۶ ناصر **«اتاق توسعه سینما»** را تأسیس‌کرد. هدف این اتاق‌کمك به تهیه‌کنندگان بدون توجه به کیفیت فیلمهایشان بود، با اینحال ازطریق این اتاق دولت موفق به‌کنترل‌کیفی فیلمهای مصری‌گردید. هم‌چنین‌کارگردانهائی که تا آن زمان بعلت قدرت فراوان تهیه‌کنندگان ازساختن فیلمهای دلخواهشان عاجز بودند، توانستند بکمك این اتاق شخصاً عهده‌دار تهیه فیلمهایشان‌گردند. باین ترتیب بودکه **«صلاح ابوسیف» فیلمهای: زالو - زن آزاد شده - جاه‌طلب وزمانی برای عشق نیست و «یوسف شاهین» فیلمهای: آبهای سیاه - ایستگاه مرکزی وناصر صلاح‌الدین** را ساختند.

وقتی دولت بسیاری ازشرکتهای تجارتی را ملی اعلام‌کرد، قسمت بزرگی ازصنعت سینما دراختیاربخش دولتی قرارگرفت. ولی چون دولت باندازه کافی متخصص برای اداره استودیوهای فیلمسازی نداشت، بیشتر آنها را بدست تهیه‌کنندگان قدیمی سپرد. این تهیه‌کنندگان با مشارکت پخش‌کنندگان بزرگ فیلمهای عربی‌که اکثراً اهل‌لبنان واردن هستند به‌تولید وپخش فیلمهای مصری پرداختند و درنتیجه عده زیادی از کارکنان صنعت سینمای مصر بیکارشدند. درسال ۱۹۶۰ (یکسال قبل ازملی شدن شرکتها) درمصر ۶۰ فیلم تهیه شد. درسال ۱۹۶۶ این رقم به ۳۴ یعنی تقریباً نصف شد.

درسال ۱۹۶۱ «انستیتوی مطالعات عالی سینمائی» درمصر تأسیس شد وازسال ۱۹۶۵ تابحال بیش از صدو بیست کارگردان ازاین مدرسه فارغ‌التحصیل شده‌اند که حدود سی تن آنها ازدانشجویان سایرکشورهای‌عرب هستند. بیشترآنان عملاً کارفیلمسازی‌را شروع‌کرده‌اند و باآنکه محصول‌کارشان کاملاً رضایت‌بخش‌نیست ولی

وجودشان برای سینمای مصر که ازنخستین روز پیدایش ازفرمولهای خاصی پیروی‌کرده ، امید فراوان به بار آورده است . بیشترآنان ازهمکاری با بخش خصوصی خودداری‌کرده وفیلمهای خودرا با سرمایه بخش دولتی ساخته‌اند . هنگامیکه بخش دولتی فعالیت خودرا در زمینه فیلمسازی محدودکرد ، آنان با تشکیل شرکتهای تعاونی ، خود تهیه‌کننده فیلمهایشان شدند . مهم‌ترین این شرکتها «**کانون سینمای جدید**» نام داردکه چند ماه پیش اولین فیلم طویل خودرا بنام «**نیایش در بن‌بست**» بکارگردانی «**علی عبدالخالق**» بیست وشش ساله تهیه‌کرده است . با اینحال اگر نحوه پخش فیلم بهمین شکل فعلی باقی بماند ، تمام این‌کوششها بیهوده خواهد بود . همانطورکه ذکرشد ، پخش‌کنندگان‌لبنانی واردنی انحصار پخش فیلمهای مصری را درکشورهای عربی برعهده دارند وازاین طریق چهل درصد ازفروش فیلمها را تأمین میکنند . بهمین دلیل است‌که آنها در کیفیت تهیه فیلمها نیز دخالت دارنـد . تهیه‌کننده مصری ازترس اینکه مبادا این عده فیلمهایش را پخش نکنند ، حتی قبل ازشروع فیلمبرداری درباره داستان فیلم وسایر نکات آن با پخش‌کنندگان مشورت میکند.

سانسور

سانسور رسمی‌که اعضاء آن اکثراً زن هستند و ریاست آنها را نیز یك زن عهده‌دار است ، راجع به بعضی مسائل سخت‌گیری فراوان میکند . کمیسیون نظارت برفیلم با فیلمهائی‌که درآن مسائل سیاسی مطرح شده باشد ، شدیداً مخالف است وبآنها اجازه نمایش نمیدهد . رأی کمیسیون نظارت برفیلم ، رأی نهائی نیست ویك‌کمیسیون عالی‌تر بریاست وزیر فرهنگ و هنر میتواند رأی قطعی را صادرکند. کمیسیون عالی برخـلاف کمیسیون اولی سخت‌گیری کمتری درمورد فیلمها معمول‌میدارد. کارگردانهای مصری درنشان‌دادن سکس درفیلمهایشان آزادی نسبی دارند ولی با اینحال سکس فیلمهای آنان ، سکس پیش‌پا افتاده‌ای است . بهرحال یك پایان اخلاقی درفیلمها امری اجتناب‌ناپذیر است . کارگردانهای جوان هم‌که بسوژه‌های جسورانه تمایل دارنـد ، درپایان باید آدم بدکار را بجزای اعمالش برسانند درمورد زنها هم استثنائی وجود ندارد واگرفرضاً زنی‌بشوهرش خیانت‌کرد، باید مجازات شود.

علیرغم قوانین رسمی سانسور، بعضی‌ازکارگردانها موفق شده برای فیلمهای نسبتاً گستاخانه‌ای‌که ساخته‌اند، اجازه نمایش بگیرند. بعضی ازاین فیلمها سوژه‌های سیاسی‌داشته‌اند مثل فیلم Miramar از«**کمال‌الشیخ**» که درآن فئودال سابق پرسوناژی سمپاتیك است واز سوسیالیزم درمصر وحزب حاکم انتقاد میکند . بعضی ازکارگردانها هم درفیلمهایشان آدم مجرم را بعوض قانون ، بوسیله اجتماع به مجازات رسانده‌اند .

اینك درمصر سینمای جوانی پاگرفتـه است و کارگردانان جوانی‌مثل «**حسین‌کمال**» بافیلم (پستچی) و «**خلیل شاکی**» بافیلم (کوهستان) ، «**سعید مرزوك**» بـا فیلم (راه‌حل می‌خواهم) ، « **محمد رادی** » ، «**شادی عبدالسلام**» ، «**اشرف فهمی**» و «**محمود شکری**» روی‌کار آمده‌اند . اما علیرغم تمایل واقعی‌شان به‌کشف سوژه‌های تازه درسینما وپرهیز ازکپیه‌کردن فیلمهای آمریکائی، هنوزسینمای مصر درانتظارظهورکارگردانان برجسته دیگری بسرمیبرد .

فیلمهای امروز

تالار رودکی (مسابقه)

ساعت : ۱۶
آمین (بلژیك)
ذن
کارگردان : کی – یونگ‌کیم (جمهوری‌کره)

ساعت : ۱۹
کجا ؟ (مصر)
ونسان ، فرانسوا ، پل ودیگران
کارگردان : کلود سوته (فرانسه)

تالار رودکی (برنامه مخصوص – ساعت ۱۱ صبح)

بلبل (ایران)
پرنده‌ها میکنند ، زنبورها میکنند
کارگردان : آی . روستن – ان . نوکسون (امریکا)

سینما پارامونت (تکرارمسابقه)

ساعت : ۱۱ و ۱۸
نمای پنجم (استرالیا)
شازده احتجاب
کارگردان : بهمن فرمان‌آرا (ایران)

ساعت : ۱۵ و ۲۱
گفتگو (انگلستان)
وسط دنیا
کارگردان : آلن تانر (سوئیس)

سینما آتلانتیك (جشنواره جشنواره‌ها)

ساعت : ۱۱ و ۱۸
خاطرات (یوگسلاوی)
آگوئیر ، خشم پروردگار
کارگردان : ورنر هرزوگ (آلمان فدرال)

ساعت : ۱۵ و ۲۱
خاطرات (یوگسلاوی)
دخترعمو آنخلیکا
کارگردان : کارلوس سائورا (اسپانیا)

سینما امپایر (بزرگداشت ویلیام وایلر)

ساعت : ۱۱ – ۱۵ – ۱۸ – ۲۱
بهترین سالهای زندگی ما (۱۹۴۶)

سینما سینه موند

سینما درآسیا
ساعت : ۱۱ و ۱۸
بازگشت
کارگردان : ترکان شورای (ترکیه)

سینمای میکلوش یانچو
ساعت : ۱۵ و ۲۱
مواجهه (۱۹۶۸)

سینما پولیدور (سینمای جدید ایران)

ساعت : ۱۱ و ۱۸
ادیان
از : منوچهر طیاب
صادق کرده
کارگردان : ناصر تقوائی

ساعت : ۱۵ و ۲۱
یك نقطه سبز
از : مرتضی ممیز
چشمه
کارگردان : آربی آوانسیان




کلودسوته

CLAUDE SAUTET

کارگردان فیلم «ونسان، فرانسوا، پل و دیگران»

درباره‌ی «کلودسوته»

متولد ۱۹۲٤ درحومه پاریس. تحصیلاتش را در مدرسه هنرهای تزیینی به‌پایان میرساند. در روزنامه (کومبا) نقد موسیقی می‌نویسد. در سال ۱۹٤٦ وارد مدرسه سینمائی ایدك میشود و دوره آنرا به پایان میرساند. بعد برای کارگردانهائی نظیر ژرژ فرانژو و ایوروبر آسیستانی میکند. در نگارش سناریوهای متعدد از جمله (چشمان بدون چهره) اثر ژرژ فرانژو همکاری مینماید. درسال ۱۹٦۰ نخستین فیلمش را بنام: Classe Tous Risques با شرکت لینو ونتورا و ژان‌پل بلموندو می‌سازد. پس‌ازآن مجدداً بکار سناریونویسی رو می‌آورد تا اینکه در سال ۱۹٦٤ دومین فیلمش را با نام (اسلحه بچپ) جلوی دوربین می‌برد. پس ازاین‌فیلم نیز فعالیتش را در سناریونویسی متمرکز میکند وسناریوی فیلمهای متعددی ازجمله (بورسالینو) را می‌نویسد. فیلم بعدی‌اش (شگفتی‌های زندگی) نام‌داردکه بشدت موردتوجه تماشاگران ومنتقدین قرار می‌گیرد. درسال۱۹۷۰ فیلم Max et les Ferrailleurs را می‌سازد. فیلم دیگرش (سزار و روزالی) نام دارد که چندی قبل در تهران بنمایش درآمد.

«ونسان، فرانسوا، پل و دیگران» امروز در قسمت «مسابقه» در تالار رودکی به نمایش درمی‌آید.

گفتگو با «کلودسوته»

ــ در رمان «کلودنرون» چه‌چیز بیش‌از همه نظرت را جلب کرده بود؟

کلودسوته ــ قبل از همه آتمسفر حومه شهر که نظیر آن‌را فقط در بعضی از رمانهای آمریکائی میتوان‌یافت. بعدازآن بررسی وتحلیل شکست آدمها در زمینه شغلی یا اجتماعی. در این مرحله «کلود نرون» حتی تا خودکشی پیش میرود. ولی من فکر مردن را در این فیلم رد نمیکنم. زیرا که مرگ از من قوی‌تر است. اگر من «ونسان» را میکشتم در کار من یك نوع جبهه‌گیری تلقی میشد. باید فکرمرگ را بشکلی دیگر میآوردم.

ــ بهرحال فکر مرگ بطور دائم در فیلم وجود دارد. حتی در صحنه‌های طنزآمیز مثل سقوط پل درجوی‌آب.

کلودسوته ــ البته، میخواستم نشان دهم که پرسوناژها همیشه در خطر ناامیدی هستند. مشکل، القاء این‌فکر در یك فیلم شاد بود.

ــ مثل صحنه‌ای که «ونسان» با تلفن صحبت می‌کند و سایرین بی‌تفاوت اطراف او با هم حرف میزنند.

کلودسوته ــ درسراسرفیلم نظیر این‌صحنه بچشم میخورد.

ــ تغییرات محیط در این فیلم نیز مثل سایر فیلمهایتان نقشی‌سمبولیك دارند. مثل صحنهٔ طوفان وباران.

کلودسوته ــ این‌صحنه‌ها سمبولیك‌نیستند. دراین‌فیلم نیزمثل«سزاروروزالی» و«شگفتی‌های زندگی» تغییرات محیط فقط جنبه فیزیکی دارند.

ــ صحنه آبی‌رنگ رقص چه مفهومی دارد؟

کلودسوته ــ آنهادرحالیکه صدای‌موزیك را میشنوند، بگذشته می‌اندیشند. این درواقع رنگ اندیشه آنهاست.

ــ یك‌بار دیگر دراین فیلم نیز آدمهای سرگردان وزخمی را نشان میدهید.

کلودسوته ــ انسان زخمی مرا سخت‌تحت تأثیر قرار میدهد. چه خودش زخمی شده باشد، چه دیگران او را زخمی کرده باشند. بهرحال شخصیت چنین‌آدمی متزلزل است. من سعی‌میکنم این زخمهای روانی را در وجود آدمها پیدا کنم . . . رنجی را که از این بابت حس میکنند وتلاشی‌راکه برای نجات ازآن بعمل می‌آورند.

ــ یعنی درواقع تلاش انسان برای ادامه حیات؟

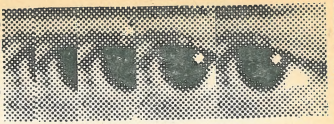
کلودسوته ــ تقریباً. و هرقدر انسان آگاه‌تر باشد، این زخمها عمیق‌تر خواهند بود. بهرحال همیشه میان ایده‌آلیسم و رآلیسم میان مبارزه و سازش توازنی وجود داشته است. البته من پاسخی برای این‌مسئله ندارم (چه‌کسی‌دارد؟) مهم برای من نشان دادن این رنج مداوم است. که آن‌را از فرم ادبی به‌فرم تصویری درآورم. که‌درهرپلان‌فیلم درهرحرکت، هرکلام وهرنگاه بازیگر دیده شود.

ــ تأثرآورترین جنبه «ونسان، فرانسوا، پل ودیگران» بی‌ارزش بودن دوستی‌هاست.

کلودسوته ــ بله، هدف فیلم توصیف پرسوناژها بطور دسته‌جمعی است. یعنی درواقع دارودسته «ونسان» ورابطه‌شان بادیگران.

ــ بااینحال ونسان میل‌دارد به«دیگران» نیز نزدیك شود. مثل «کاتانو»، «فارینا» و «بکارو».

کلودسوته ــ بله، این‌احساس وجود دارد. مثلاً-وقتی«کاتانو»ی زخمی مقاومتش‌را ازدست میدهد. ولی تصدیق‌کنید طی دوساعت نمیتوان همه زندگی بشررا بازگوکرد!



فیلمهائیکه امروز می بینیم

جمهوری کره :

ذن

THE ZEN

(Republic of Korea)

(فیلم بلند - مسابقه)

کارگردان ونویسنده : **کی - یونگ کیم**
تهیه کننده : **وو - سوك لی**
موزیك : **سانگ - کی‌هان**
فیلمبردار : **ایل سونگ جونگ**
بازیگران : **بایانگ هاك کیم ، یای‌جین ریم ، جونگ اوهن‌لی .**
۳۵ میلیمتری ـ رنگی ـ ۱۱۰ دقیقه

رئیس معبد «سوسان» تصادفاً پسرودختر یتیمی راکه درجنگ والدین خود را ازدست داده‌اند می‌یابد. نام این دو « شیما » و « موهیون » است. « موبو - دانگ » آنها را با خود به معبد میآورد. « شیما » درمعبد بزرگ میشود وبصورت یك راهبه ارشد درمیآید وشهرت خوبی بدست آورده ویکی ازجانشینان درجه اول ریاست معبد میشود. اما بالاخره عاشق «موهیون» راهبه زیبا میشود، سعی میکند تا ازملاقات با او خودداری کند، ولی‌ازآنجاکه این‌دو سخت عاشق یکدیگرشده‌اند، دیگر خیلی دیر شده است.

رئیس معبد اورا ازمقام جانشینی معبد عزل‌کرده ، آنها را ازمعبد بیرون کرده وبسوی زندگی دنیای خارج روانه شان میکند.



فرانسه :

ونسان ، فرانسوا ، پل ودیگران

VINCENT, FRANCIOS, PAUL EL LES AUTRES

(France)

(فیلم بلند - مسابقه)

کارگردان : **کلود سوته**
فیلمنامه : **براساس نوولی نوشته «کلود نرون»**
اقتباس ودیالوگ : **ژان‌لو- دابادی، کلود نرون وکلود سوته .**
فیلمبردار : **ژان بوفتی**
تهیه کننده : **ریموند دانن**
بازیگران : **ایومونتان ، میشل پیکولی ، سرژ رجیانی ، استفان ادران ، ماری دوبوآ ، ژرارد پاردیو ، آنتونلا لوالدی ، کاترین آلگره ، امبرتو اورسینی .**
۳۵ میلیمتری ـ رنگی ـ ۱۱۸ دقیقه

ونسان ، فرانسوا ، پل ودیگران دوستان خوبی هستندکه تعطیلات آخر هفته شان را بخوشی درکنار یکدیگر میگذرانند. «ونسان» یك‌کارخانه‌دار است‌که با فراست ذاتی وقضاوت شخصی خود زیادکار میکند وسخت‌کوش است. «ژان» نیز یك بوکسور آماتورست. «ماری» رفیقه «ونسان» است و «کاترین» ، همسر سابق «ونسان» اکنون از او جدا شده‌است.

دریکی ازتعطیلات آخرهفته ، «ونسان» آگاه میشودکه «کاترین» طالب یك جدائی قانونی ومشروع است. «ونسان» درمی‌یابدکه لحظه پایان وسقوط فرارسیده ومیترسدکه درکار حرفه‌ایش با ناراحتی ونگرانی مواجه‌گردد.

«فرانسوا» که دکتر موفقی است باو میگویدکه نمیتواند ازنظر مالی باو کمکی بکند، چون خودش درگیرساختن‌کلینیکی تازه است.

«ونسان» که زمانی یك دانشجوی طب بود، حالا به صورت یك تاجردقیق درآمده است. او دوبچه دارد، و «ماری» همسرش هم احترامی برای او قائل نیست و با هرمردی‌که دلش بخواهد، هم‌آغوشی میکند. «پل» ، یك نویسنده است و با «لوسی» ازدواج‌کرده. آنها زوج خوشبختی هستند وزندگـی نسبتاً آرام وساده‌ئی دارند. خانه‌ئی‌که «ونسان» ورفقایش تعطیلات آخرهفته شان را درآن میگذرانند، متعلق به فامیل «لوسی» است. ترس‌های «ونسان» بتدریج آشکار میشود. او هرگز فکر نکرده بودکه «کاترین» روزی اورا کاملاً ازز‌ندگیش طرد کند. بعلاوه دوستش هم ازمساعدت مالی باو دریغ ورزد. درحالی‌که «ماری» کاملاً بر «ونسان» مسلط شده این «کاترین» وپدرش «ژرژ» هستندکه به یاری او میشتابند. احساسات قدیمی «ونسان» دوباره دروجودش جریان می‌یابند. «کاترین» به «ونسان» به‌چشم یك دوست مینگرد ، نه ، بیشتر.

سرانجام «ونسان» با کمك «ژرژ» ودوستی وفادارش «ژان» ، کارخانه‌اش را میفروشد وقروض خودرا میپردازد ودوباره ازنو آغاز میکند. اما او مرد خسته‌ئی است. «ژان» نیز بکلی وامانده وخسته شده ، بدین‌جهت راهی استانها میشود تا با نیروئی تازه آغازکند. حتی «فرانسوا» با وجود آنکه ازنظر اجتماعی موفق است ، بجائی‌که آغازکرده بود، برمیگردد وزنش اورا برای همیشه ترك میکند. اما زندگی ادامه می‌یابد. زندگی درسطح ، تقریباً غیرقابل تغییر بنظر میرسد، «ونسان» ورفقایش هنوز تشکل خودرا حفظ‌کرده وهنوز تعطیلات آخر هفته شان را با آرامش وخوشی میگذرانند.



لطفاً ورق بزنید

Mr. James B. Phillips	IBEX FILMS
Miss Inna Ginsburg	AMERICAN FILM INSTITUTE
Miss Zsa Zsa Gabor	Actress
Mr. Michael Braun	Producer
Mr. Jack Nicholson	Actor
Miss Goldie Hawn	Actress
Mr. Bruno Wintzell	
Mr. Hunter Todd	Director ATLANTA FESTIVAL
Miss Rikki Knipple	Assistant Director ATLANTA FESTIVAL
Mr. and Mrs. Warren Cowan	ROGERS, COWAN & BRENNER INC.
Mr. and Mrs. Arthur Knight	Film Historian (UNIVERSITY OF SOUTHERN CALIF.)
Mrs. Marguerite Schott	Journalist HOLLYWOOD REPORTER
Mr. George Hamilton	Actor
Mr. Raymond St. Jacques	Actor
Miss Ellen Burstyn	Actress
Mr. Henry Madden	
Mr. Gene Barry	Actor
Mr. and Mrs. Stuart Whitman	Actor
Mr. and Mrs. Peter Graves	Actor
Mr. and Mrs. John Forsythe	Actor
Mrs. James Coburn	
Miss Ruth Gilbert	Critic NEW YORK MAGAZINE
Mr. Robert B. Frederick	Journalist VARIETY
Mr. and Mrs. Peter Sprague	Producer STEPPENWOLF
Mr. Fred Haines	Director STEPPENWOLF
Mrs.Francis Haines	
Mr. John Crowther	Journalist
Mrs. Carla Romanelli	Actress STEPPENWOLF
Mr. and Mrs. Pierre Clementi	Actor STEPPENWOLF
Mr. Jack Valenti	President MOTION PICTURE ASSN. OF AMERICA
Mr. David Wolper	Producer
Mr. Roman Polanski	Film Director
Mr. Lee Faulkner (Film Market)	LF FILM DISTRIBUTORS
Miss Anjelica Huston	
Mr. Ron Ely	Actor
Mr. and Mrs. John Frankenheimer	Director IMPOSSIBLE OBJECT
Mrs. Carolyn Pfeiffer	STEPPENWOLF
Mr. and Mrs. Leonard Gruenberg	STEPPENWOLF
Mr. Georg Gund	Chairman San Francisco Festival
Mr. and Mrs. Myron Bresnick (Film Market)	Mac Millan FILMS INC.
Mr. Kunz	IBEX FILMS
Mr. Zeinalzade	IBEX FILMS
Mr. and Mrs. Harold Robbins	Novelist and Screenwriter
Mr. Claude DuBoc	Director ONE BY ONE
Mr. Conrad Rooks	Director and Producer SIDDHARTHA
Mr. and Mrs. Tony Curtis	Actor

U.S.S.R.

Miss Elza Ledjei	Actress THE ODDBALLS
Mr. Eldar Chenquelaia	Director THE ODDBALLS
Mrs. Ariadna Chenquelaia	Actress THE ODDBALLS

YUGOSLAVIA

Mr. Nedljko Dragic	Director DIARY
Mr. Borivoj Dovnikovic	Co-Producer SECOND CLASS PASSENGER
Mr. Miroslav Kitic (Film Market)	YUGOSLAVIA FILM

SYRIA

Mr. Tahsin Kawadri (Film Market)

TANZANIA (ZANZIBAR)

Mr. A.S. Talati (Film Market)	UNITED FILM DISTRIBUTORS

TURKEY

Mr. Irfan Unal	Co-Producer DONUS
Mr. Turkan Inanoglu	Co-Producer DONUS
Mr. Meftun Olgac	Journalist SAKLAMBAC DAILY MAGAZINE
Mr. A. Kucukyalcin	Director Foreign Relations GUNEY FILM
Miss Turkan Soray	Actress and Director DONUS
Mr. Ruchan Adli	
Mr. Umit Utku (Film Market)	Federation of Employers Synd. of Turkish
Mr. Turker Inanoglu (Film Market)	AKER FILMS
Miss Nuran Inanc (Film Market)	AKER FILMS
Mr. Soyarslan (Film Market)	OZEN FILM

UNITED KINGDOM

Mr. Patrick Gibbs	Critic THE DAILY TELEGRAPH
Mr. and Mrs. D. Lewin	Publisher CINEMA TV TODAY
Mr. Derek Malcolm	Critic THE GUARDIAN
Mr. and Mrs. Peter Cowie	Film Critic- Festival Representative
Mr. Ian Mitchel	F.P.A.
Mr. and Mrs. Michael Relph	Chairman F.P.A.
Mr. and Mrs. Ian Jessel	Managing Director WORLD FILM SALES LTD.
Mr. and Mrs. John Boorman	Film Director ZARDOZ
Mr. Peter Sellers	Actor
Miss Christina Wachtmeister	
Mr. and Mrs. Yvonne Charpentier	Producer
Mr. David Robinson	Critic THE TIMES
Miss Georgina Hale	Actress MAHLER
Mr. Robert Powell	Actor MAHLER
Mr. David Putnam	Producer MAHLER
Mr. Nigel Andrews	Critic THE FINANCIAL TIMES
Mr. Mo Rothman	Producer
Mr. Frixos Constantine (Film Market)	POSEIDON FILMS
Mr. Carlo Ponnampalam (Film Market)	LANKA FILMS
Mr. W.H. Jamieson (Film Market)	POSEIDON FILMS
Mr. P. Tarachand (Film Market)	ASHOK FILMS
Mr. Jeannine Seawell (Film Market)	HEMDALE INTERNATIONAL FILMS LTD.

U.S.A.

Mr. and Mrs. J. Rappoport	INT. FILM EXCHANGE LTD.
Mr. Herb Lightman	Publisher AMERICAN CINEMATOGRAPHER
Mr. and Mrs. William Wyler	Film Director
Mr. and Mrs. Elmo Williams	President IBEX FILMS
Mr. Hermes Pan	Choreographer
Miss Betty Jeffries Demby	Journalist
Mr. David Matalon	Vice President COLUMBIA PICT. INT. CORP.
Mr. Herbert R. Banquer	Senior Vice Pres. UNITED ARTISTS CORP.

PAKISTAN

Mr. Younes Niazi Malik	Producer
Mr. Shaheen Niazi Malik	Producer
Mr. Munir Hussain	Film Critic

PHILIPPINES

Mr. Cornelio Lagerwey	Representative D.R.F. Prod.
Mr. Rodolfo L. Velasco (Film Market)	PHILIPPINE MOTION PICTURE PRODUCERS ASSOC.

POLAND

Miss Wieslawa Czapinska Kalenik	Critic EKRAN
Mrs. Alicja Ciezkowska (Film Market)	General Director Imp. & Exp. FILM POLSKI
Mr. Stanislaw Izydorczyk (Film Market)	Film Distributor FILM POLSKI
Mr. Alexander Leduchowski	Critic REVUE FILM

SPAIN

Mr. Carlos Saura	Director "PRIMA ANGELICA"
Miss Geraldine Chaplin	Actress
Mrs. Angeles Maso	Journalist LA VANGUARDIA
Mr. Pascual Cebollada	Journalist YA
Mr. Jose Antonio Perez Giner (Film Market)	PROFILMS S.A.
Mr. J.A. Suarez de la Dehesa	Director UNIESPANA
Mr. and Mrs. Luis Megino	Representative EL IMAN CINE Y TV S.A.
Mr. Elias Querejeta	Producer COUSIN ANGELICA and SPIRIT OF BEE-HIVE
Mrs. Anna Soler Sallente	THE SPIRIT OF THE BEE-HIVE
Mr. Victor Erice	Director THE SPIRIT OF THE BEE-HIVE
Mr. Jaime Campmany	President Synd. des Spectacles

SRILANKA

Mr. and Mrs. James Peries	Director SILENCE OF THE HEART and THE TREASURE

SURINAME (WEST INDIES)

Mr. R.R. Jadnanansing (Film Market)	INTERNATIONAL FILM DISTRIBUTORS SURINAME

SWEDEN

Mr. Bertil Ohlsson	Export & Imp. Mngr. SANDREW FILM & THEATER AB
Mrs. Gunnel Hessel	Journalist SVENSK DAMTIDNING
Mr. and Mrs. Bengt Forslund	Executive Producer FILMINSTITUTE
Mr. and Mrs. Vilgot Sjoman	Director A HANDFUL OF LOVE
Mr. Silvano Agosti	Co-Author PURGATORIO

SWITZERLAND

Mr. Ambros Eichenberger	Critic NEUE ZURCHER ZEITUNG
Miss Ursula Rindlisbacher	Repres. SWISS FILM CENTER
Mr. Roman Hollenstein	Producer THE FLEA CIRCUS
Miss Anne Wiazemsky	Actress
Mr. and Mrs. Christian Defaye-Large	Critic LA TRIBUNE DE LAUSANNE
Miss Nathalie Baille	
Mr. Philippe Leotard	Actor LE MILIEU DU MONDE
Miss Olimpia Carlisi	Actress LE MILIEU DU MONDE
Mr. and Mrs. Y. Peyrot	Producer LE MILIEU DU MONDE

Mr. and Mrs. Hank Werba	Journalists VARIETY
Mr. Elie A. Aptekman (Film Market)	
Mr. and Mrs. Ugur Terzioglu (Film Market)	FILM CENTRE
Mr. Mario Kassar (Film Market)	KASSAR FILMS
Mr. Zingarelli (Film Market)	
Mr. Balini (Film Market)	ITALFILMEXPORT
Mr. Massimo Vigliar (Film Market)	
Mr. Stefano Libassi (Film Market)	
Mr. Cort (Film Market)	HARTFORD INDUSTRIES CO.
Mr. Lidio Bozzini	President UNITALIA
Miss Rosanna Schiaffino	Actress
Miss Giovanna Ralli	Actress
Mr. Sergio Amidei	Producer
Miss Gina Lollobrigida	Actress

JAPAN

Mr. Michael Connors	Journalist MOVIE TV MARKETING
Mr. Hirotada Kobayashi	Journalist THE MAINICHI SHINBUN
Mr. Kenzo Kuroda (Film Market)	TELECAS JAPAN CO. LTD.
Mrs. Miyako Kuroda (Film Market)	AD ENTERPRISES INC.
Mr. Shinji Serada (Film Market)	SHOCHIKU CO. LTD.
Mr. Hisashi Fukuzawa (Film Market)	NCC
Mr. Soga (Film Market)	AD ENTERPRISES INC.

JORDAN

Mr. Saud El-Fayyad	Jordan Television

KOREA (Rep.)

Mr. Kiin Yoo	Representative of M.P.P.C.K.
Miss Yaejin Rim	Actress THE ZEN
Mr. Chunsuk Cho	Producer THE ZEN
Miss Jungwha Yang	Actress MATURE AGE

LEBANON

Mr. Alain Plisson	Critic CINE D'ORIENT
Dr. Lloyd Miller	Critic SKETCH

MORROCO

Mr. Belghiti Driss (Film Market)	MAGREB UNI-FILM

NETHERLANDS

Mr. Nikolai Van Der Heyde	Director HELP THE DOCTOR IS DROWNING
Mr. Jan Dorresteijn	Producer HELP THE DOCTOR IS DROWNING
Miss Willeke Van Ammelrooy	Actress HELP THE DOCTOR IS DROWNING
Mr. Ward de Ravet	Actor HELP THE DOCTOR IS DROWNING

NEW ZEALAND

Mr. John D. O'Shea	Producer ALL THAT WE NEED

NIGERIA

Mr. E.D. Apim	NIGERIAN FILM UNIT

HONGKONG

Miss Lisa Lu Hwong	Actress
Miss Siao Fong Fong	Actress
Mr. Conway C P Yin	Producer MY LOVE MY SIN
Miss Jenny Wu	Actress MY LOVE MY SIN
Mr. David Ip	Script-Writer MY LOVE MY SIN
Mr. Paul S.C. Chan (Film Market)	TRANS-GLOBE FILM CO.
Mr. Ching Shung Lin	Actor
Mr. Andrew G. Vajna (Film Market)	PANASIA FILMS LTD.
Mr. Harold Shaw (Film Market)	SHAW BROTHERS (HONG KONG) LTD.
Mr. Run Run Shaw (Film Market)	SHAW BROTHERS (HONG KONG) LTD.

HUNGARY

Mr. Istvan Dosai	General Manager HUNGAROFILM
Mr. Pal Sandor	Director FOOTBALL OF THE GOOD OLD DAYS
Miss Cecilia Esztergalyos	Actress FOOTBALL OF THE GOOD OLD DAYS
Mr. Elemer Ragalyi	Cinematographer FOOTBALL OF THE GOOD OLD DAYS
Mrs. Zsuzsa Toth	Scriptwriter FOOTBALL OF THE GOOD OLD DAYS
Mr. Istvan Szabo	Director 25 RUE DE SAPEURE
Miss Agi Margitai	Actress FOOTBALL OF THE GOOD OLD DAYS

INDIA

Mrs. Uma da Cunha	Journalist
Mr. N. Bhattacharya	Co-Producer DISTANT THUNDER
Mr. Ramanaidu	Producer
Mr. Venkatraman	FILM PROD. GUILD OF SOUTH INDIA

INDONESIA

Mr. Uttamchandani (Film Market)	HARAPAN FILM CORP.

ITALY

Mr. and Mrs. Franco Cauli	Journalist A N S A
Dott. and Mrs. Nedo Ivaldi	Critic IL GIORNALE DELLO SPETTACOLO
Mr. and Mrs. M. Spiegel	Vice President M P E A - ROME
Mr. Ruggero Marino	Critic IL TEMPO
Mr. Mario Longardi	Studio Longardi - Festival Representative
Mr. Roberto Rossellini	Director ANNO UNO
Mr. Gian Paolo Cresci	Producer ANNO UNO
Mr. Luigi Vannuchi	Actor ANNO UNO
Mr. Enrico Carlo Zambelli	Critic NAPOLI NOTTE
Mr. Luigi Saitta	Critic OSSERVATORE ROMANO
Dott. Guglielmo Biraghi	Critic IL MESSAGERO
Mr. Pietro Bregni (Film Market)	PAC COMPANY
Mr. and Mrs. Robert Edwards	Producer NIGHT REPORTER
Mr. Claudio Quarantotto	Critic GIORNALE D'ITALIA
Mr. and Mrs. F. Vancini	Director AMORE AMARO
Mr. Monferrini	Producer AMORE AMARO
Miss Lisa Gastoni	Actress AMORE AMARO
Mr. Alberto Fioretti	General Manager UNITALIA
Mr. Marcello Cippollini	Representative UNITALIA
Mr. Carmine Gianfarrani	President ANICA
Dr. Valentini	Representative ANICA
Miss Ira de Furstenberg	Actress
Mr. Lomi	Film Director
Miss Silvia D'Amico	

Mr. Renaud Matignon	Critic LE FIGARO
Mr. Vincent Malle	Producer
Mr. Jean Lescure	President of A.F.C.A.E.
Miss M. Gardez	A.F.C.A.E.
Mr. Jean-Claude Brialy	Actor LE FANTOME DE LA LIBERTE
Mr. Fadel Kassar (Film Market)	LES FILMS LA BOETIE
Mr. Pierre Girard	Critic LE FILM FRANCAIS
Mr. Hubert Astier	Min. des Affaires Culturelles
Miss Dominique Antoine	Dir. Gen. LES FILMS DE L'ASTROPHORE
Miss Colette Godard	Film Critic LE MONDE
Miss Marthe Keller	Actress
Mr. Jean Marthet	TV 2eme CHAINE
Mr. Ducaux Rupp	President COMITE DIRECTEUR CHAMBRE SYND. PROD.
Mr. Denis Berry	
Miss Jean Seberg	Actress
Mr. Olivier Barrot	Semaine de la Critique Festival Cannes
Mr. and Mrs. Oudet	Distributor
Mr. and Mrs. Valadier	Distributor
Mr. and Mrs. Davoine	Distributor
Mr. Condroyer	Distributor
Mrs. Martigny	Distributor
Mrs. Lefage	Distributor
Mr. Chamberland	Distributor
Mr. Ph. Korsand	Producer
Mr. Julien Galeotti	TV 2eme CHAINE
Mr. Max Ifergane	TV 2eme CHAINE

GERMANY (F.R.)

Mr. Dieter Menz	ATLAS INTERNATIONAL
Dr. and Mrs. Alfred Bauer	Director Berlin Festival
Mr. Horst Buchholz	Actor CATAMOUNT KILLING
Mr. Manfred Durniok	Producer CATAMOUNT KILLING
Miss Uta Gote	Film Critic DIE WELT
Dr. Rudolf Goldschmidt	Delegate General EXPORT UNION
Mr. Bischoff (Film Market)	EXPORTFILM BISCHOFF & CO. GMBH.
Dr. Brigitte Jeremias	Journalist FRANKFURTER ALLGEMEINE ZEITUNG
Mr. Trebitsch	Producer POLYTEL INT. Film-und Fernseh GMBH.
Miss Barbara Bronnen	Journalist
Mr. Frank	Journalist PLAYBOY
General Consul and Mrs. Barthel (Film Market)	President CONSTANTINE FILMS
Mr. Karsten Peters	Film Critic
Mr. Hans Joachim Boldt (Film Market)	
Mr. and Mrs. Paul Krekel (Film Market)	
Mr. and Mrs. Waldleitner (Film Market)	
Mr. and Mrs. Von Zurmuehlen (Film Market)	CHRONOSFILM
Mr. Klaus Hellwig	JANUS FILM
Mr. Michael Dost	Managing Dir. New Film Prod. Assn. of Germany

GERMANY (D.R.)

Mr. Herbert Volkmann	President Int. Preservation Committee FIAF

GREECE

Miss Irene Calcanis	Journalist
Mr. Christos Evangelou	Producer
Mr. Chris C. Christodoulou	Journalist MAKEDONIA & THESSALONIKI DAILIES
Mr. Theodore Gouroglou (Film Market)	TEOMAX INC.
Mr. Max Tsochatzopoulos-Roman (Film Market)	TEOMAX INC.
Mr. George Zervoulakos (Film Market)	KYKLOS FILMS

EGYPT

Mr. Samir Oaf	Film Director
Mr. Kamal-El-Malakh	
Mr. Ahmed Maher	Journalist AL GOUMHOURIA
Mr. Abdel Moneim Saad	Festival Dpt. Director EGYPTIAN CINEMA ORG.
Mrs. Faten Hamama	Actress I WANT A SOLUTION
Mr. Saeid Marzouk	Director I WANT A SOLUTION
Mr. Salah Zoulfikar	Producer I WANT A SOLUTION
Mr. Abdel Moneim Sohby	Film Critic
Mrs. Madiha Kanel	Actress
Mr. Mokhtar Elafifi	General Manager EGYPTIAN CINEMA ORG.
Mrs. Soheir El Morshdi	Actress
Mr. Nour El Sharif	Actor
Mrs. Mervat Amin	Actress
Mr. Hassan Youssef (Film Market)	HASSAN YOUSSEF FILMS
Mr. Takavor Antonian (Film Market)	MISR FILM
Mrs. Hassan Youseff (Film Market)	
Mr. Dessouki (Film Market)	CINEMA ORGANIZATION
Mr. Wagdi Kadil (Film Market)	CINEMA ORGANIZATION
Mr. Youssef Goher (Film Market)	CINEMA ORGANIZATION
Mr. Fossam Eldin Moustafa (Film Market)	CINEMA ORGANIZATION
Mr. Helmi Rafla (Film Market)	CINEMA ORGANIZATION
Mr. Ahmad Abbas Sahel	Critic ALAKHBAR

FINLAND

Miss Honkasalo	Representative of RM-TUOTANTO KY
Mr. Rauni Mollberg	Director EARTH IS OUR SINFUL SONG
Miss Maritta Viitamaki	Actress EARTH IS OUR SINFUL SONG
Mr. Rinkama	
Miss Tuula Soderberg	JORN DONNER PRODUCTIONS
Mr. Aito Makinen	Director 1895-or HOW THE MOVIES MOVE

FRANCE

Mr. Pierre-Henri Deleau	Org. "Quinzaine des Realisateurs" Fest. Cannes
Mr. Haim Eshel and Mrs.	AVCO-EMBASSY OF PARIS
Mrs. L. Fargette	Press Service - Festival de Cannes
Mrs. Yvette Camp	Delegate Prod. LE FANTOME DE LA LIBERTE
Mr. Serge Silbermann	Producer LE FANTOME DE LA LIBERTE
Mr. Samuel Lacheze	Critic L'HUMANITE
Mr. Henry Chapier	Critic COMBAT
Mr. Parent	C.N.C.
Mr. Sallus	President COMMISSION AVANCES SUR RECETTES
Mr. Rene Thevenet	ASSN FRANCAISE DE PRODUCTEURS
Mr. Raymond Danon	Producer VINCENT FRANCOIS PAUL ET LES AUTRES
Miss Marie Dubois	Actress VINCENT FRANCOIS PAUL ET LES AUTRES
Mr. Jean-Jose Richer	Producer LANCELOT DU LAC
Mr. Claude Sautet	Director VINCENT FRANCOIS PAUL ET LES AUTRES
Miss M. F. Pisier	Actress CELINE ET JULIE VONT EN BATEAU
Mr. Edmond Tenoudji	President F.I.A.P.F.
Mr. A. Brisson	Secretary General F.I.A.P.F.
Mr. Moskowitz	Journalist VARIETY
Mr. Gerard Montassier	Representant Ministere Aff. Culturelles
Mr. Pierre Billard	Critic LE POINT
Mr. Jean Brunsvig	President CH. SYND. PROD. COURT METRAGE
Mr. J.P. Rassam	Co-Prod. LANCELOT DU LAC
Mr. Luc Simon	Actor LANCELOT DU LAC

COMPLETE LIST OF FOREIGN DELEGATES, GUESTS AND PARTICIPANTS AT THE THIRD TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL.

ARGENTINA

Mr. J. Carlos Gene	Actor QUEBRACHO
Miss Cipe Lincovsky	Actress QUEBRACHO
Mr. Ricardo Wulicher	Director QUEBRACHO
Mr. Daniel Tinayre	Director LA MARY
Miss Mirta Legrand	Actress
Mr. Gulliermo Wofchuk	Producer LA MARY

AUSTRALIA

Miss Carter	Journalist
Miss Sylvie Leclezio	Representative AUSTRALIAN FILM INSTITUTE
Mr. Thornhill (Film Market)	EDGECLIFF FILMS

AUSTRIA

Mr. Walter Bannert	Actor THE HAPPY MINUTES OF GEORG HAUSER
Miss Ilse Haininger	Representative of Cinecoop-Film
Mr. D. Dieter Schrage	Screenwriter THE HAPPY MINUTES OF GEORG HAUSER

STATE OF BAHRAIN

Mr. Mohammad-Ali Khazai	In Charge of Theater and Arts, STATE OF BAHRAIN
Mr. Fakhroo (Film Market)	Bahrain Cinema and Film Distribution Co
Mr. Noonoo (Film Market)	Bahrain Cinema and Film Distribution Co
Mr. Al Moayad (Film Market)	Bahrain Cinema and Film Distribution Co

BULGARIA

Mrs. J. Mollova	Head of Festival Dpt. FILMBULGARIA
Mr. Angel Borshukov (Film Market)	FILMBULGARIA

CANADA

Mr. John Kemeny	Producer THE APPRENTICESHIP OF DUDDY KRAVITZ
Mr. Andre Link (Film Market)	CINEPIX INC.
Mrs. Link (Film Market)	

CHINA (People's Dem. Rep. of)

Mr. Chu Min-hsin	Correspondent HSINJUA NEWS AGENCY

CZECHOSLOVAKIA

Mrs. Ingmata Koernerova (Film Market)	CZECHOSLOVAKIA FILMEXPORT

DENMARK

Mr. Leif Feilberg	Managing Director THE DANISH FILM INSTITUTE
Mr. Esben Hojlund Carlsen	Director 19 RED ROSES
Mr. Ebbe Moerk	Journalist POLITIKKEN
Mr. Ebbe Iversen	Critic BERLINGSKE TIDENDE

اسپانیا :

دخترعمو آنخلیکا

LA PRIMA ANGELICA

(Spain)

(فیلم بلند – جشنواره جشنواره‌ها)

کارگردان : **کارلوس سائورا**
تهیه‌کننده : **پریمیتیووآلوارو**
فیلمنامه : **کارلوس سائورا، رافائل آزکونا**
فیلمبردار : **لوئیس گوآدرادو**
موزیك : **لوئیس دوپابلو**
بازیگران : **خوزه لوئیس واسکوئز ، لینا کانالخاس، فرناندو الگادو، لولاگاردونا، م . کلارا فرناندز ، انکارناپاسو ، خوزه لوئیس هردیا**
۳۵ میلیمتری ــ رنگی ــ ۱۱۱ دقیقه

«لوئیس کانو» بیست سال بعد ازمرگ مادرش برسر مزار او ، دریکی ازقبرستانهای «کاستیل» میرود . درآنجا کودکی خودرا بخاطر میآورد . زمانی‌که پدرومادرش میخواهند اورا نزد عمویش بفرستند تا یك ماه ازتابستان ۱۹۳۶ را درآنجا بگذراند، اینك«لوئیس» بهمان شهربازمیگردد و دوباره یادبودهاوخاطرات درنظرش مجسم میشوند . «لوئیس» به خانه عمویش «پیلار» میرسد . مدت زمانی طولانی ازآخرین دیدار آنها میگذرد . با دخترعمو آنخلیکا که حالا شوهرکرده ودختری بنام آنخلیکا دارد روبرو میشود . گوشه وکنار خانه عمو ، مبلها واثاثیه همه یادگارهای گذشته زندگی اورا زنده میسازند . کوچه‌ها وخیابان‌های این شهر، ساختمان قدیمی مدرسه ، هرکدام صحنه‌هائی ازدوران‌کودکی لوئیس را بخاطرش میآورند . همچنین عشق به دخترعمویش آنخلیکای جوان دوباره دروجودش جان می‌گیرد .

عشق لوئیس به آنخلیکا تنها واقعه مهم تابستان سال ۱۹۳۶ نبود . وقایع سیاسی تابستان آن سال را نیز لوئیس فراموش نکرده است . این وقایع را لوئیس از دید دوران‌کودکی‌اش مجدداً مرور میکند و با همان دید به قضاوت درباره آنها می‌پردازد .



ترکیه :

بازگشت

THE RETURN

(Turkey)

(فیلم بلند – سینما درآسیا)

کارگردان وتهیه‌کننده : **ترکان شورای**
فیلمنامه : **سافا اونال**
فیلمبردار : **کایا اریز**
موزیك : **یالسین تورا**
بازیگران : **ترکان شورای ، کاریر اینر، عثمان الیانائ ، محمت‌بی . گانگور ، یوسف‌کوچوکونر وموراات توك .**
۳۵ میلیمتری ــ رنگی ــ ۹۶ دقیقه

«گولکان» که زیبائی خیره‌کننده‌ئی دارد ، توجه مرد ثروتمندی باسم «رسیت» را جلب میکند . اما زن ترجیح میدهدکه با آشنای دوران‌کودکیش‌که دهقان فقیــری باسم «ابراهیم» است ازدواج‌کند . «رسیت» غمگین شده وقسم میخوردکه انتقامش را بگیرد .

«گولکان» و «ابراهیم» باهم دوران خوشی را میگذرانند ، آنها بزودی صاحب پسری میشوند . دورانآرامش این زوج زیاد طول‌نمی‌کشد ، چون «رسیت» ترتیبی می‌دهدکه «ابراهیم» را به‌آلمان بفرستند ، ودرغیاب او باین فکر میافتدکه «گولکان» را تصاحب‌کند . «گولکان» ابتدا مقاومت میکند ، ودرحال تسلیم شدن به «رسیت» است‌که شوهرش برمیگردد . «ابراهیم» اینك تغییرکرده است وچیزی بین آنها حائل شده : آلمان .

او دیگر به زادگاهش دلبستگی نـدارد ومیخواهد برای جستجوی یك زندگی «بهتر» دوباره به‌آلمان برود . با رفتن ابراهیم ، «رسیت» مجدداً سعی میکندکه به «گولکان» نزدیك شود ، اما خوب یا بد ، «ابراهیم» هنوز شوهر «گولکان» است . «رسیت» که باز با مقاومت زن روبرو میشود ، شروع به انتشار شایعاتی درباره «گولکان» میکند وباعث مرگ‌کودکش میشود . «گولکان» که حالا بدون فرزند ، بدون سرزمین وبدون شوهرشده «رسیت» را بقتل میرساند ومی‌گریزد .



پرکار این ایام بودند (مردی در راه می‌رود، فدرا، یك‌زن شرور واقعی).

از سال ۱۹۵۰ ببعد با ظهور نسل جدید، نسلی که طعم جنگ‌های داخلی را در طفولیت چشیده بود، سینمای اسپانیا و زندگی فکری این کشور دگرگون شد. فیلمسازان جدید اسپانیائی که اغلب از نئورئالیست‌های ایتالیا درس گرفته بودند به‌سینمای این سرزمین شور و طراوتی بخشیدند، وضع ایتالیا از ۱۹۴۰ به‌بعد تقریباً مشابه با وضع اسپانیا از ۱۹۵۰ به‌بعد بود.

اولین اثر فیلمسازان نسل‌نو، فیلم «خوش آمدید آقای مارشال» بود که توسط «**خوآن آنتونیو باردم**» و «لوئیس گارسیا برلانگا» ساخته شد و با نظری طنزآمیز نقشه مارشال آمریکا را مورد هجو قرار میداد. این دو فیلمساز کار سینما را با فیلم کمدی سبك «زوج خوشبخت» شروع کرده بودند.

برلانگا به‌کار ساختن کمدی‌های کمابیش هجوآمیز (کالابوش، پنجشنبه معجزه‌آسا) ادامه داد که ارزش‌موفقیت قبلی‌اورا نداشت. «باردم» که سناریست فیلم «آقای مارشال» بود با فیلم «کومیکوس» خود را بعنوان یکی از بهترین فیلمسازان جوان اروپائی نشان داد و این امررا با «مرگ دوچرخه سوار» به‌اثبات رساند. سوژهٔ فیلم اولی به کمدین‌های دوره گرد و فیلم دوم به تراژدی و انحطاط در طبقه مرفه و اعیانی می‌پرداخت.

«باردم» درفیلم بعدی‌خود«کوچه‌بزرگ» به زندگی در شهرستان‌های کوچك می‌پردازد. این فیلم را بخاطر شباهت‌های موجود به «ولگردها»ی فللینی مانند کرده‌اند. از باردم فیلم‌های «انتقام» و «پیانوهای مکانیکی» نیز مورد تحسین قرار گرفته است. از فیلم‌های‌خوب اسپانیولی درسالهای‌اخیرمی‌توان «درشکه‌دستی» اثر«فره‌ریا» و «لات‌ها» از«**کارلوس سائورا**» اشاره کرد.

بیشتر کارگردانان جوان سینمای اسپانیا فارغ‌التحصیلان مدرسه سینمائی مادرید هستندکه در سال ۱۹۴۷ تأسیس شده است و شاگردانش اغلب فیلمسازان نوپرداز امروزی را تشکیل میدهند. جوانان سینمای اسپانیا از تأثیر سینمای جدید ایتالیا و فرانسه برکنار نیستند. آثار آنها غالباً از زندگی ساده مردان امروز و یا سوژه‌ها ووقایع فولکوریك‌مایه میگیرد.

بین‌فیلمسازان پس‌ازنسل«کارلوس‌سائورا» واولین‌فیلم‌هایشان، می‌توان از این عده نام برد: ژرژ گرو، ژولیود یامانته (زنان عشق ۱۹۶۴ — فن زیستن ۱۹۶۵)، میگوئل پیکازو (عمه تولا)، **خوزه لوئیس برائو** (سازنده فیلم براندی— فیلم تازه این‌کارگردان باسم «ب باید بمیرد» روز چهارشنبه ۱۳ آذرماه در قسمت «مسابقه» جشنواره به‌نمایش درمی‌آید — وی از

بزرگداشت ویلیام وایلر

A TRIBUTE OF WILLIAM WYLLER



The Best Years of Our Lives

بهترین سالهای زندگی ما (۱۹۴٦)

فیلمنامه: **رابرت ای‌شروود** (اقتباس از داستانی نوشته «مك‌کینلی‌کانتور»)

فیلمبردار: **گرگ تولند**

موزیك: **هوگوفراید هوفر**

هنرپیشگان: **میرنالوی، فردریك مارچ، دانا آندروز، ترزارایت،ویرجینیامایو، کاتی اودانل، هارولد راسل**

زمان نمایش: **۱۷۲ دقیقه**

کمتر فیلمی مثل «بهترین سالهای زندگی ما» مورد توجه و علاقه معاصران خودش قرار گرفته است. مشهورترین فیلم «وایلر» درست در زمان خودش ساخته شد و حاوی گفتگوئی بود که آمریکائی‌ها درباره تردیدها — تأسف‌ها و امیدهای خود با خویشتن داشتند، بدون آنکه بدانند دیگران تا چه اندازه در این احساسات با آنها سهیم هستند. این فیلم درام پایان جنگ جهانی‌دوم بود. برخورد سه مرد ازجنگ برگشته بادنیای پس‌ازجنگ را ارائه میکرد وحساسیت‌ها و هیجانات و انتظارات مردان و زنانی را که میکوشیدند دوباره یکدیگر را دریابند، منعکس میساخت. وایلر برای درك رنج و آشفتگی‌های جنگجویانی که اینك به محبوبه‌های خود دست میافتند، به زندگی خصوصی خود و همسرش «تالی» رجوع میکرد که وقتی از جنگ برگشته بود باحالت غیرمنتظرانه‌ای روبروشده وبخودش گفته‌بود لابد قیافه وحشتناکی پیدا کرده‌ام.

«وایلر» البته مثل یکی‌از قهرمانان فیلمش بنام «هارولد راسل» از دو دست محروم نشده بود ولی ازجنگ با فقدان‌هایی درجسم وروحش بازگشته بود.

«بهترین سالهای زندگی ما» بصورت یکی از بهترین کلاسیك‌های سینمای امریکا درآمده است.

نگاه منحصر بفردی است در آئینه اجتماع ملی‌آمریکا که امکان ارائه آن در سالهای بعدی که جنگ سرد انتقاد از خود را بصورت یك‌عمل غیرقهرمانی و ضد ملی درآورد، امکان‌پذیر نبود. این‌فیلمی بود که برمحدودیت‌های ظاهری فیلمسازی هالیوود نشان گذاشت و در جهان با موفقیت بسیار روبرو شد. حتی در آلمان نیز زنگ حقیقت را به‌صدا درآورد. جوایز بسیاری را در سراسر جهان دریافت کرد از جمله برندهٔ ۷ جایزه اسکار شد و «وایلر» را بصورت یکی از بهترین کارگردانان هالیوود پس از جنگ درآورد.

«وایلر» در یکی از نادرترین مقالاتی که بامضای خودش‌نوشته درباره فیلم«بهترین‌سالهای زندگی‌ما» میگوید:

«این فیلم حاصل برخوردهای اجتماعی است که درپایان جنگ وجود داشته‌است. به‌مفهوم دقیق‌تر این فیلم براساس وقایع حقیقی نوشته شده و مسئولیت ما را در مقابله واقعبینانه با این وقایع گوشزد میسازد».

«وایلر» نیز مثل قهرمانان فیلمش درپایان جنگ درحالی به‌کشورش بازگشت که همه‌چیز را تغییر یافته حس میکرد. بقول «وایلر» جنگ هجوم بسوی واقعیت‌بود. محیط ناگهانی دیگری بود. لحن‌دیگری‌داشت. معتقداست: جنگ‌تفاوتی ببار میآورد و ارزش‌های دیگری را بنیاد مینهاد و سلیقه‌ها و درخواست‌های جدیدی را طلب میکرد. فیلم‌هایی که «وایلر» و دیگران قبل‌از جنگ ساخته‌بودند اینك درمقابله با حادثه بزرگ

معروف‌ترین کارگردانان سینمای اسپانیا پس از نسل «کارلوس سائورا» است.)، ژولیو بوشر (مزدجنایت)، اوژینومارتین (مردی ازتولدو)، هوراسیو والکارسل (میگوئلین) ومیگوئل‌سومرز (بازی غاز).

جنگ ، کهنه ، مصنوعی و لمس‌نشدنی به نظر میرسید.

در جنگ مسئله پول وجود نداشت. مسئله موقع و مقام و حتی خانواده وجود نداشت. مسئله مهم وتنها مسئله مهم ارتباطهای انسانی بود. «وایلر» اضافه میکند:

«فقط ارتباط با مردمی مطرح بود که ممکن است فردا مرده و دیگر وجود خارجی نداشته باشند. این یك نوع بسیار شگفت‌انگیز قلمرو فکر انسانی است. و باعث تأسف است که جنگ چنین حالت و ارتباطی را در مردمان بوجود میآورد».

در طول جنگ سالانه بیش از چهارصد فیلم در هالیوود ساخته میشد و هرهفته بیش‌از ۱۸ میلیون آمریکائی بدیدن فیلمها میرفتند. بزرگترین موفقیت‌تجاری هالیوود درهمین‌زمان بود، اما فیلمها خیلی کم واجد ارزشهای هنری وکیفیت خوب‌بود و بهمین ترتیب بندرت دربین شخصیت‌هـای آن‌وقت هالیوود میشد قریحهٔ سرشاری پیدا کرد.

«وایلر» در قرارداد خودش با « مترو گلدوین‌مایر» ساختن یك فیلم دیگر را به‌عهده داشت. « ساموئل گلدوین » نیـز از بازگشت کارگردان اول استودیویش به هالیوود به‌شعف آمده بود. «گلدوین» به «وایلر» در انتخاب موضوع فیلم آزادی‌کامل داد. یکی از نقشه‌ها کپیه فیلمی از روی زندگانی ژنرال آیزنهاور فاتح جنگ جهانی دوم بود. طرح دیگر ساختن یك فیلم کمدی بنام «همسرکشیش» بود. اما «وایلر» به‌خواندن داستانی بنام «افتخار برای من» اثر «مك‌کینلی‌کانتور» مشغول شد و این داستانی بود کـه او میخواست بصورت فیلم درآورد.

«کانتور» یك‌روزنامه‌نگار و داستان‌نویس متخصص حوادث جنگهای استقلال آمریکا بود و در این زمینه چند فیلم از آثار او قبلاً تهیه شده و با «گلدوین» آشنائی داشت. گلدوین در ماه اوت ۱۹۴۴ تصویـری از چند ملوان آمریکائی‌که از جنگ به‌کشورشان باز میگشتند روی جلد مجله تایم دیده و مقاله‌ای را درباره آنها و اینکه چگونه خواهند توانست خودشان‌را با موقع و افراد جدید تطبیق دهند، خوانده‌بود. پس سفارش تهیه سناریوئی را مربوط به ازجنگ برگشته‌ها به«کانتور» داد و «کانتور» در قبال دوازده‌هزاروپانصد دلار، داستان «افتخار برای من» را برای او نوشت.

در ژانویـه ۱۹۴۵ این سناریو در دست «گلدوین» بود. ۹ ماه بعد «وایلر» و «رابرت شروود» که در زمان جنگ مشاور اطلاعـاتی فرانکلین روزولت و دوست صمیمی «وایلر»بود برای تهیه سناریوی جدیـدی از این داستان به مطالعه پرداختند.

داستان مربوط به سه مرد از جنگ برگشته به شهرستان «سیتی‌بون» بود. یکی ازآنها سروان نیروی هوائی «فرد دری» بود که قبل‌از جنگ زنـدگانی دلخواهی نداشت. پدرش میخواره و مادرخوانده‌اش زن شلخته‌ای بود.

«فرد»فقط چند روز پیش‌از اعزام به‌جبهه جنگ با دختری بنام «ماری» ازدواج‌کرده بود. در بازگشت به خانه «فرد» همسرش‌را درآغوش یك ملوان سابق می‌بیند پس باندازه کافی پول به همسرش میدهـد تا دست از سر او بردارد وبه طلاق رضایت دهد.

« ال استیفنسن » شخصیت دوم مرد میانه سالی است که در زمان جنگ گروهبان پیاده بوده‌است ودر بازگشت به‌زندگی آرام‌گذشته‌اش، با همسر و دختر و پسرش که حالا بزرگ شده و به‌بحران جوانی رسیده‌اند، مواجه میشود. او قبلاً بانکدار بوده واینك هم مشکلی برای امرار معاش‌ندارد. اما جنگ دیدگاه اورا از زندگانی و نحوه کارش عوض‌کرده است و همین مشکل مهمی در مواجهه او باکار و روابط اجتماعی‌اش میشود.

سومین مرد جوان ۱۹ ساله بنام «هومر پاریش» است که در حادثه‌ای به‌تشنج عضلات مبتلا شده و قادر به‌کنترل حرکات بدنی خویش نیست. او خود را بیچاره می‌یابد و بخصوص ازاین ترس‌دارد که همکلاس سابق ومعشوقه‌اش «ویلما» فقط براثرترحم به ازدواج با او رضایت دهد. هومر خودرا فقط با مشروب تسلی میدهد و بدین‌ترتیب میرود که یك دائم‌الخمر شود.

«فرد» عاشق دختر «ال» میشود. «ال» جنگ خود شکسته است از بانك استعفا میکند که مقررات بانك را بخاطر وام بدوست زمان و «هومر» پس از مرافعه با پدر ومادرش تصمیم به‌خودکشی‌میگیرد اما داستان سرانجام با نکته‌ای ازامید پایان می‌یابد و«ویلما» با مطالعه دررفتار با معلولین، میکوشد به‌کمك و درك «هومر» به‌شتابد.

«وایلر» و «شروود» با دست داشتن این داستان به‌طرح موقع ومکان پس‌ازجنگ واینکه چگونه بهتر و مؤثرتر میتوان آنرا به‌شکل فیلم درآورد پرداختند. «گلدوین» شخصاً از تهیه فیلمی براساس این داستان استقبال میکرد ولی به «وایلر» و «شروود» هشدار داده بود که در گسترش و خلق آن زیاد رادیکال نباشند. از جمله او فصلی را کـه «شروود» در مورد اعتصاب علیه بدی مسکن نوشته بود، حذف‌کرد.

«وایلر» تصمیم‌گرفت وضعیت «هومر»را عوض‌کند. چون حس میکرد نقش یك افلیج را بایـد (بازی) کرد و چنین بازی، مصنوعی و نامتناسب جلوه میکند. پس او و «شروود» به دیدار ازبیمارستان‌هایی پرداختندکه درآنجاها افـراد ناقص‌العضو حاصل جنگ نگاهـداری میشدند. دربیمارستان «پاسادنا» چهارجوان فاقد دست بودند که در یك اطاق نگهداری میشدند و نیازمندیهای آنان توسط یك پرستار مرد تأمین میشد.

یکی از آنها به «وایلر» گفت: **میخواهید فیلمی درباره آدمهائی مثل مـا بسازید. پول سرشاری نصیبتان میشود، نه؟**

«وایلر» به‌آنها نشانی گروهبانی را بنام «هارولد راسل» داد که در یك فیلم خبـری جنگی دیـده بود که چگونـه در مانوری در کارولینای شمالی به‌دستهایش آسیب رسیده بود. یکـی از ناقص‌العضوها گفت : **«هارولد» را می‌شناسیم. چه‌جوان خوشبختی. چون بازوهایش سالم است و میتواننـد برایش دست مصنوعی بگذارند.**

«هارولد»سرانجام برای‌ایفای نقش«هومر پاریش» برگزیده شد. بخصوص که درست مثل «هومر» هرگزمایل نبود بخاطرنقص‌عضو کسی برایش دل بسوزاند.

«وایلر» در «اونتاریو» ۴۰ کیلومتری «لوس‌آنجلس» به‌قبرستانی ازهواپیماهای جنگی و بمب‌افکنها برخورد کرد که به علت پایان جنگ دیگر فرصت استفاده از آنها پیش نیامده بود. «وایلر» درحالیکه به صدها هواپیمای فاقد موتور و سایر اشیاء این محل اشاره میکرد به «شروود» گفت ما باید از این صحنه در فیلم استفاده کنیم.

«شروود» داستان مربوط به «فرد دری» را در سناریوی جدید خود دوباره‌نویسی کرد. در سناریوی جدید، «فرد» بجای برخورد با همسرش که ملوانی را به معاشقه گرفته است، بیشتر در عشق با دختر «ال» درگیر میشود و همسر او و به‌عنوان سمبلی جهت تغییر احساس وهیجان «فرد» بکار میآید.

فیلمنامه « بهترین سالهای زنـدگی ما » براساس داستان «افتخار برای من» و همچنین انتخاب هنرپیشه‌ها در بهار سال ۱۹۴۶ تمام شد. باآنکه «فردریك مارچ» و«داناآندروز»هیچیك در جنگ شرکت نکرده بودند، «وایلر» آنها را بازیگـران کاملاً مناسبی برای نقشهای «ال استفنسن » و «فرد دری» تشخیص داد. «ترزا رایت» نقش «پگی» و «میرنالوی» نقش مادر او را به‌عهده گرفت و «کتی اودانل» که بعداً به‌ازدواج «رابرت وایلر» برادر «ویلیام وایلر» درآمد به‌عنوان چهره جدید نقش «ویلما» را عهده‌دار شد.

«گرگ‌تولند» فیلمبردار محبوب«وایلر» مجدداً به کار فیلمبرداری او پرداخت و فیلم «وایلر» درآوریل ۴۶ آغاز ودر اوت همان‌سال به‌پایان رسید.

FILM MARKET

بازار فیلم

SUNDAY, 1ST DECEMBER

Time	Title (Country, Type)	Distributor/Producer	Hall
10.30 a.m.			
	'Cop-in' (Spain, Detective)	Profilmes S.A.	1
	'Window' (Iran, Drama)	Payam Movies	2
	'Nada Gang' (France, Detective)	Films la Boétie	3
	'Love and Death' (Japan, Romance)	Shochiku Co. Ltd.	4
2:30 p.m.			
	'I Want a Solution' (Egypt, Social)	Egyptian Cinema Organization	1
	'Horror Rises From the Tomb' (Spain, Criminal)	Profilmes S.A.	2
	'Reza, The Scooter Rider' (Iran, Tragedy)	Payam Movies	3
	'Mousey Troubles', The Mouse's Night', 'A Dog, A Cat and . . . , 'Adventures of Bolek and Lolek — It is Burning' (Poland, Animation) and	Film Polski	4
	'Cart Woman' (India) and	Neela Productions	
	'Kuchipudi Dance, and 'Rhythm of Kerala' (India)	Government of India Film Division,	
5 p.m.			
	10 Trailers of Recent Italian Films and		1
	'My Ain Folk' (United Kingdom, Tragedy)	British Film Institute	
	'Praise Be to Small Ills' (Japan, Animation) and	Eko Co. Ltd.	2
	'The Rehearsal' (United Kingdom, Documentary) and	The British Council	
	'Pre-Flood Troubles' (Poland, Animation)	Film Polski	
	'Robin Hood Never Dies' (Spain)	Profilmes S.A.	3
	'The Goat Horn' (Bulgaria, Imaginary)	Film Bulgaria	4

NOTICE:

"The Happy Minutes of Georg Hauser" (Austria, Dir. Mansour Mahdavi) will be repeated at 10.30 a.m., on Tuesday, December 3rd. at the Film Market.

یکشنبه ۱۰ آذرماه

ساعت ۱۰½ صبح :

کاپ این	(اسپانیا)	سالن شماره ۱
پنجره	(ایران)	« « ۲
نادا	(فرانسه – پلیسی)	« « ۳
عشق ومرگ	(ژاپن – درام عشقی)	« « ٤

ساعت ۲½ بعدازظهر :

راه حل میخواهم	(مصر)	سالن شماره ۱
ازقبروحشت برمیخیزد	(اسپانیا – جنائی)	« « ۲
رضا موتوری	(ایران – تراژدی)	« « ۳
مشکلات موش	(لهستان – کارتون)	« « ٤
شب موش	(لهستان – کارتون)	« « ٤
یك سگ ویك گربه و ...	(لهستان – کارتون)	« « ٤
ماجراهای بولك ولولك	(لهستان – کارتون)	« « ٤
سورچی زن	(هند)	« « ٤
رقص کوچی پودی – قسمت اول	(هند – مستند)	« « ٤
رقص کوچی پودی – قسمت دوم	(هند – مستند)	« « ٤
ریتم کرالا	(هند – مستند)	« « ٤

ساعت ٥ بعدازظهر :

ده‌نمونه ازده فیلم‌ایتالیائی وفیلم خانواده من	(انگلستان)	سالن شماره ۱
مشکلات قبل‌ازطوفان	(لهستان – کارتون)	« « ۱
درود بربلاهای کوچك	(ژاپن – کارتون)	« « ۲
تمرین	(انگلستان)	« « ۲
روبن‌هود هرگز نمی‌میرد	(اسپانیا)	« « ۳
شاخ بز	(بلغارستان – تخیلی)	« « ٤

نمایش مجدد «دقایق خوشبختی ...»

فیلم «دقایق خوشبختی جورج هاوزر» ساخته‌ی «منصورمهدوی» ساعت ۱۰½ صبح روز سه‌شنبه ۱۲ آذرماه یکباردیگر درسالن شماره یك «بازارفیلم» نمایش داده خواهد شد.

IRAN'S NEW FILM-MAKERS

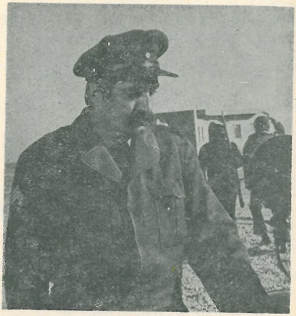
SADEQ THE KURD

(Ṡadeq Korde)

(1972)

Director: **Nasser Taghva'i**
Producer: **Mehdi Missaghieh** for Missaghieh Studios

Screenplay: **Nasser Taghva'i**
Director of Photography: **Nosratollah Kani**
Music: **Hormoz Farhat**
Cast: **Sa'id Rad, Ezzatollah Entezami, Mohammad Ali Keshavarz, Atesh Kheir, Jalal, Manuchehr Ahmadi**



This film is based on a real incident that happened in south Iran almost 20 years ago. Sadeq has a tea-house on the main Tehran-Khorramshahr road. One night when he has gone to town to buy provisions a truck driver rapes and murders his wife. Sadeq secretly vows to murder truck drivers. A gendarmerie officer and sergeant, who happens to be the father of the dead woman, are put in charge of investigating the series of murders. The sergeant gradually realizes that the murderer is none other than his son-in-law. He is torn between protecting Sadeq and his devotion to duty after 30 years' service. His sense of duty finally prevails, and he reveals his suspicions to his officer, who in the meantime has tracked down the original murderer. The film has two morals, one, that no murderer is ever safe from the long hand of the law and, two, that duty is more important to society than personal feelings.

Iran:

THE SPRING

(Cheshmeh)
Director: **Arby Ovanessian**
Producer: **Telfilm**

Scenario: **Arby Ovanessian**
Photography: **Ne'mat Haqiqi**
Music: **Comitas**
Cast: **Arman, Mahtaj Nojumi, Jamshid Mashayekhi, Parviz Pur Hosseini**



A man falls in love with a woman, not realizing that she is the wife of his friend, a master mason. The woman has a young lover whom she meets secretly in an abandoned house. Their secret remains undiscovered for a long time. The husband's friend finds out who she is and kills himself. The village women discover the wife's secret and publicly disgrace her out of jealousy. She kills herself and her husband buries her under a pool in the abandoned house. Instead of being killed as he hopes, the lover runs off into the desert.

RELIGIONS

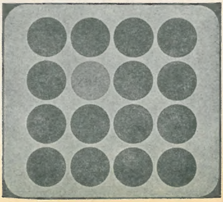
(Adian)

Director: **Manuchehr Tayyab**
Producer: **Ministry of Culture and Arts**
Documentary, Colour

A GREEN SPOT

(Yek Noqteh-ye Sabz)

Director: **Morteza Momayez**
Producer: **Centre for the Intellectual Development of Children and Young Adults**
Animated, Colour



ANOTHER VIEW

THE MUMMIES

By Chris Moss

"The Mummies", also called 'The Night of the Counting Years', made five years ago by Egypt's Chaadi Abdel Salam, is a reflection what he calls his attempt to "express the Egyptian of today, in search of his cultural roots." It won a first prize at the London International Film Festival.

The film concerns the Horrabat tribe living on a mountain near the Nile. Inside the mountain there is a tomb filled with Pharaoic sarcophagi, containing treasure, which from time to time is sold to a Cairo dealer by the head of the tribe. Only he knows the secret entrance to the tomb and at his death his eldest son takes over the 'trust', so that the tribe may continue to benefit. Jealous family rivalry, however, leads to the death of the son, who finds the whole operation of tomb-looting dishonourable and distasteful.

The surviving son, Wannis, wears the 'cloak of trust' reluctantly. We see him wandering through a dun-coloured, dessicated landscape, among the temples with their gigantic, headless sculptures high on the mountain. His face is exquisite, but fails to betray by so much as a flicker what must be the deep, inner torment he is suffering in coming to a decision. Whether to avenge his brother's murder by selling out to the "Effendis" ... a group of Government officials, soldiers and an archaeologist in search of the tomb ... or to accept the trust and with it the internecine squabbling of the family. Honour or conscience?

The tribe, exhorted to attack by the enraged uncles, falls back in dismay when they realize what the sarcophagi contain. If one can believe the stunted dialogue, (indeed, the badly-spaced and badly-spelt sub-titles are a poor substitute for a knowledge of Arabic) they are ashamed at having lived on the sale of "holy" relics.

The photography is superb, although as a whole the film is a little too long. There is a timeless quality about the landscape with its drifting desert sands, the granite mountains and the bleached-green oasis. The men in their black burnouses and white turbans, the women in windswept black, faces as inscrutable as sphinxes ... all spell Egypt. And through it all the festering thread of violence, lust and greed.

TODAY'S FILMS

SUNDAY, 1 DECEMBER

Note: In two-film programmes, the short film is listed first.

RUDAKI HALL (Competition)

4 p.m. **'Amen'** (Belgium) and **'The Zen'** (Republic of Korea)

7 p.m. **'Where?'** (Egypt) and **'Vincent, François, Paul et les Autres'** (France)

RUDAKI HALL (Hors Concours)

11 a.m. **'The Nightingale'** (Iran) and **'Birds Do It, Bees Do It'** (U.S.A.)

PARAMOUNT CINEMA (Competition Repeat)

11 a.m. and 6 p.m. **'The Fifth Facade'** (Australia) and **'Shazde Ehtejab'** (Iran)

3 p.m. and 9 p.m. **'Dialogue'** (U.K.) and **'Le Milieu du Monde'** (Switzerland)

ATLANTIC CINEMA (Festival of Festivals)

11 a.m. and 6 p.m. **'Aguirre, The Wrath of God'** (Germany F. R.)

3 p.m. and 9 p.m. **'Cousin Angelica'** (Spain)

EMPIRE CINEMA (A Tribute to William Wyler)

11 a.m., 3 p.m., 6 p.m. and 9 p.m. **'The Best Years of Our Lives'** (1946)

CINEMONDE CINEMA (The Cinema of Miklós Jancsó)

3 p.m. and 9 p.m. **'Confrontation'** (1968)

CINEMMONDE CINEMA (Cinema in Asia)

11 a.m. and 6 p.m. **'The Return'** (Turkey)

POLIDOR CINEMA (Iran's New Film-Makers)

11 a.m. and 6 p.m. **'The Land of Religions'** (Manuchehr Tayyab) and **'Sadegh the Kurd'** (Nasser Taghva'i) (Iran)

3 p.m. and 9 p.m. **'A Green Dot'** (Morteza Momayez) and **'The Spring'** (Arby Ovanessian) (Iran)

PRESS CONFERENCE WITH NIKOLAI VAN DER HEYDE
By Chris Moss



What makes Nikolai Van Der Heyde diferent from most directors is his belief that everyone, from producer down to tea-boy, working on the film is entitled to voice an opinion or make suggestions. Without getting bawled out!

He is a young-looking 37 and the overwhelming success of his latest film, "Help, The Doctor is Drowning", testifies to the thesis youth combined with enthusiasm and expertise *can* breed success. Not only are the production staff and cameramen young, but so are most of the stars.

He brought his leading lady, Willeke Van Ammedrooy, along to meet the press too. A very pretty girl with beautiful teeth, floating along in a cloud of dark hair and a fox fur slung casually over a jeans suit. She enjoys the reputation of being the one and only Dutch screen star, which she obviously enjoys hugely. And she has "no intention of going back to the stage", where she began her career.

Only eight or ten films a year are made in Holland, and these are largely Government-subsidized. Most are obsessed with the 'Breast and Buttock' syndrome, something Van Der Heyde deplores. The secret of his success (the film has played to over two million people since February and is *still* running in crowded cinemas) is that it is simply good comedy-entertainment. Something yau can take the whole family to see withcut granny wanting to leave half-way through.

Van der Heyde is impressed with "the enormous queues" outside Tehran's cinemas. "We don't have that at all in Holland. People mostly stay home and watch T.V."

He was astonished and pleased, too, at the reaction of Iranian audiences to his film... It seems that the Iranians were able to identify immediatly with the visual humour. In fact, they laughed in parts where Dutch audiences couldn't even raise a smile. Does this mean that there is a communication breakdown between Dutch and Dutch? Not at all. Simply that the visual jokes, especially those bordering on slapstick, sent the Iranians into paroxysms. They seemed to have a better idea of what was coming next. And they didn't have to concentrate too hard on the Dutch dialogue.

Would van Der Heyde consider making a film in Iran? Not unless he could spend a year here first 'soaking up the atmosphere'. And that would prove just too expensive!



"THE MUMMIES"
By Peter L. Wilson

"The Mummies" is not only the best film I've ever seen from Egypt (which by itself would be rather a small compliment), it is also an excellent film by any standards, and a fascinating one. Based on history, the discovery of a hidden tomb of ancient Egypt in 1888, "Mummies" (despite its title, which led me to expect something à la Hammer Brothers and Christopher Lee) is straightforward and certainly un-supernatural, at least from the simple point of view of plot. In its grave beauty, exquisite photography and subtle sense of mystery, however, there is something almost supernatural about it.

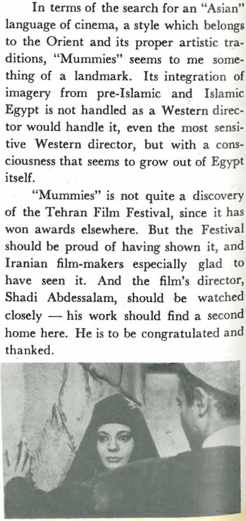
A mountain tribe (severe desert faces framed in monk-like black robes) has gained its living for centuries by grave-robbing, a fact known only to the tribal elders. The chief dies, and his brother initiates his sons into the "secret trust". They are repelled by the ghoulishness of stealing from the dead, and rebel. One is killed; the younger eventually leaks the secret of the tombs to an archaeologist, one of the assistants of the famous (historical) Egyptologist Prof. Maspero. As a result the tribe is ruined, and the young man can take no satisfaction in his act of justice. He has suffered tragedy.

There is perhaps a basic fallacy in the central theme of the film (which is nevertheless beautifully and sensitively expressed largely through the use of quotations from the *Book of the Dead*), that the archaeologists somehow have a better right to the tombs because they "know the names" of the dead, can read the hieroglyphics which are nothing to the tribesmen but ancient scratchings in the rock. Grave-robbing, one might argue, is grave-robbing. Not that the tribe is presented in a totally bad light — most of them are innocent, and even the "villains" are impressive patriarchal figures who speak Arabic like poetry, whose faces reflect the dignified inflexibility of a harsh but beautiful, almost stoical ethic.

But whatever one might think of the "message", the film as film is near perfection. The slow and stately movements of the actors approach a ritualization of life forces, and this is again reflected in the elegant rhythms of the montage, the exquisite colour photography, all blacks and stone-greys with touches of red and gold. The music too is excellent: an almost constant sussuration or drone, punctuated rarely with extended minor chords. It produces not tension (for the film is almost totally without "suspense") but rather the sound of a state of mind, a mysterious whisper of long-dead dynasties, invisible presences.

In terms of the search for an "Asian" language of cinema, a style which belongs to the Orient and its proper artistic traditions, "Mummies" seems to me something of a landmark. Its integration of imagery from pre-Islamic and Islamic Egypt is not handled as a Western director would handle it, even the most sensitive Western director, but with a consciousness that seems to grow out of Egypt itself.

"Mummies" is not quite a discovery of the Tehran Film Festival, since it has won awards elsewhere. But the Festival should be proud of having shown it, and Iranian film-makers especially glad to have seen it. And the film's director, Shadi Abdessalam, should be watched closely — his work should find a second home here. He is to be congratulated and thanked.



cinema 53

Dec. 1 - 1974

7

THIRD TEHRAN INTERNATIONAL FILM FESTIVAL



ذِن

Director : Ki-Yung Kim

ساخته : کی‌یونگ – کیم



آگوئیر ، خشم پروردگار

ساخته : ورنر هرزوگ

WERNER HERZOG'S

AGUIRRE,